

[illegible]



[illegible]

فرزانه [illegible] خلافت شهریاری [illegible] سلطنت و جهانداری [illegible] کامکار [illegible] سلطان [illegible] ایران

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

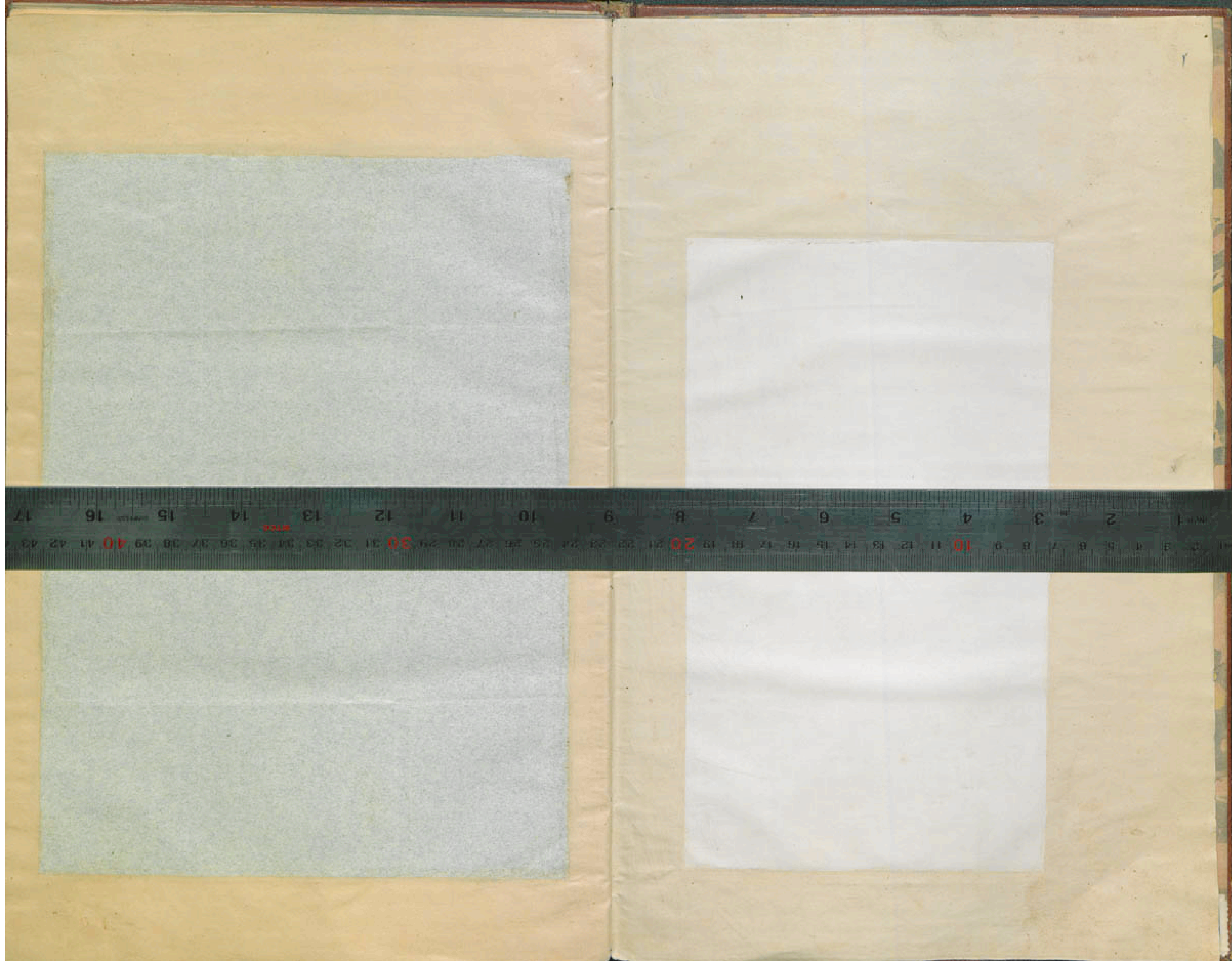
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اسباب [illegible] فی شهر شعبان المعظم ۱۲۹۱



جناب مشیرالملک

[illegible]

قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت شوم

عرض [illegible]

[illegible]

[illegible] تحقیف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جناب مشیرالملک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هو

قربان کتاب مبارک گردم — [illegible] بفرمایند [illegible]

سؤال و جواب کرده اولاً در باب [illegible] عریضه [illegible] جاکران [illegible] عرض شد

ثانیاً در باب [illegible] حضور [illegible]

[illegible] باشد ثانیاً در باب

طلب [illegible] حضرت [illegible] عرض [illegible]

[illegible]

و [illegible] نصف [illegible]

[illegible]

[illegible] امر [illegible]

هو

سید [illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک گردم — تا فقره آخر رقعجات خوش [illegible]

و سید صالح [illegible] آنجا بسیار صدمه [illegible]

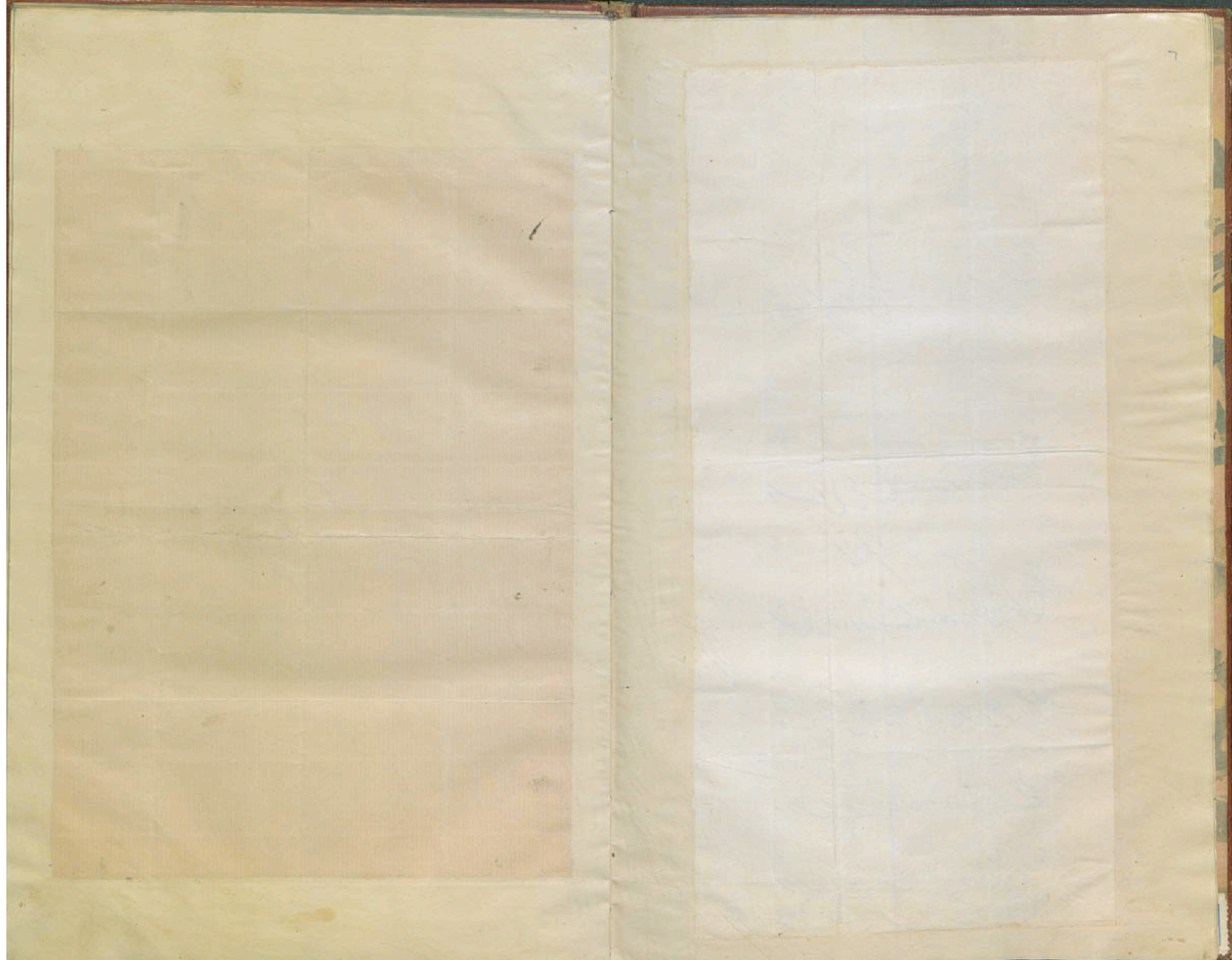
شش تومان از ما گرفته است مستدعی از بندگان [illegible] امر و مقرر

شود که در حسن آباد مبارکه یا کوچان مبارکه بجای زر [illegible] تمام

که رعیت بندگان [illegible] و در ظل مرحمت [illegible]

حضرت اشرف امجد اسعد ارفع والا روحنا فداه [illegible]

بر حشمت و الجلال و ابهت [illegible]



جناب [illegible] اگرچه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جناب [illegible] نمره [illegible]

یک نمره [illegible] نمره [illegible]

[illegible] صورت دارد این نمره [illegible] صورت دارد [illegible]

[illegible] نوشته شد نمره [illegible] را صورت [illegible]

[illegible] ترجمه کند [illegible] نوشته شد یک نمره [illegible]

[illegible] طهران [illegible] هر نمره است [illegible] یک نمره [illegible]

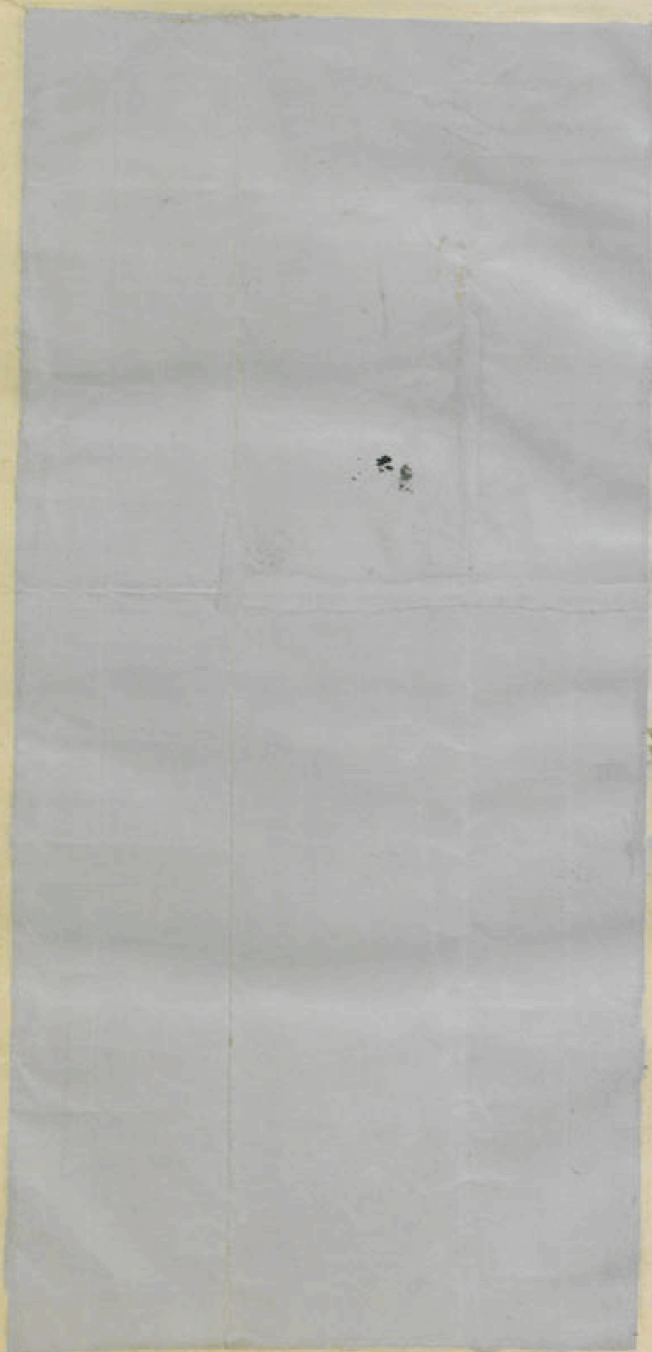
[illegible] اگر صورت ندارد [illegible] نوشته شد و این نمره [illegible] صورت [illegible]

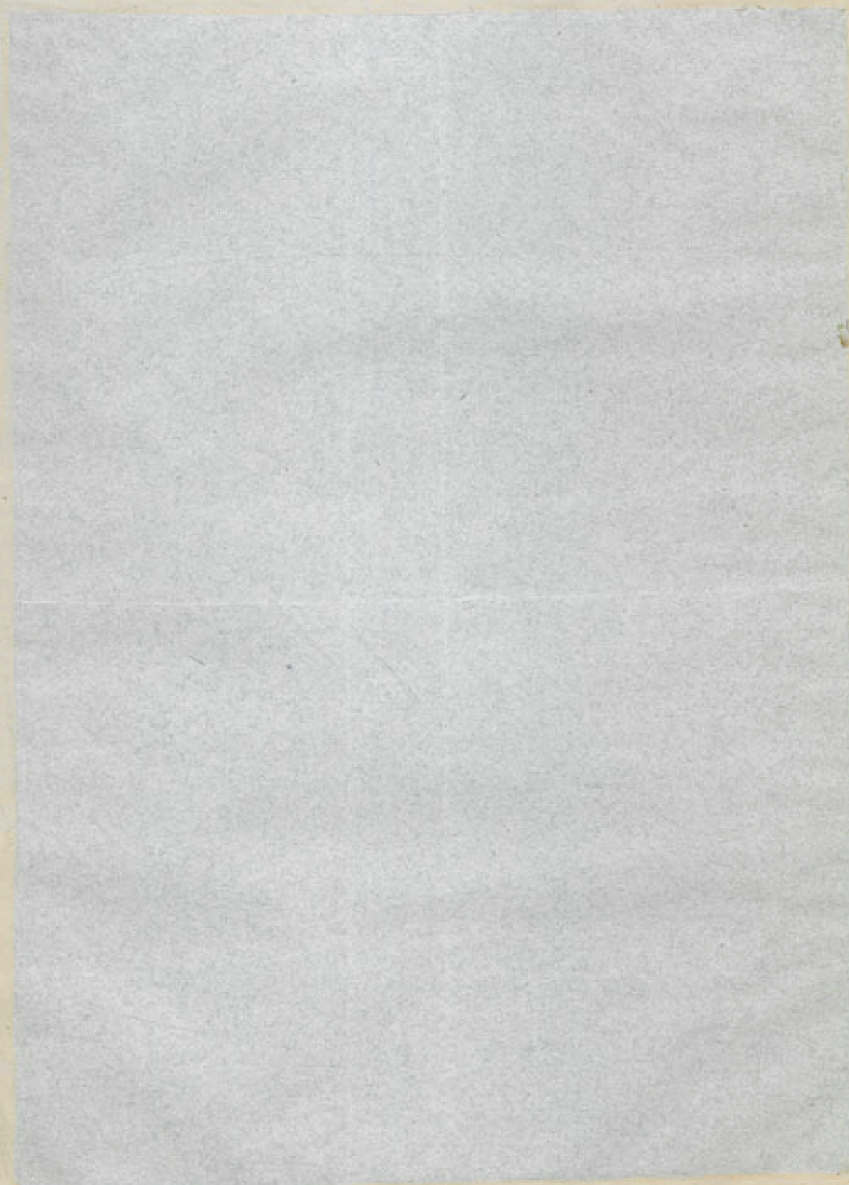
[illegible] خان [illegible]

ثانیه در ترجمه کند [illegible] ترجمه کند ترجمه [illegible]

[illegible] نوشته [illegible] روزنامه ایران است [illegible] طهران [illegible]

[illegible]





قربان خاک پای جواهر آسای [illegible] گردم [illegible] از اینجا [illegible] ساعت پنج [illegible]

عریضه [illegible] مستوفی [illegible]

و در دفتر [illegible] رساله مشعر [illegible] اعلیحضرت [illegible] محمد [illegible]

و دستگیر [illegible] کار [illegible] حکم [illegible] سرکار [illegible] جمع [illegible]

در [illegible] صد [illegible] سرکار [illegible]

[illegible]

قربان خاک پای مبارکت شوم

جزو ان فرد منتخبات [illegible]

چهار پنج عدد از بابت [illegible] چون [illegible] را امروز بخواند و لازم [illegible]

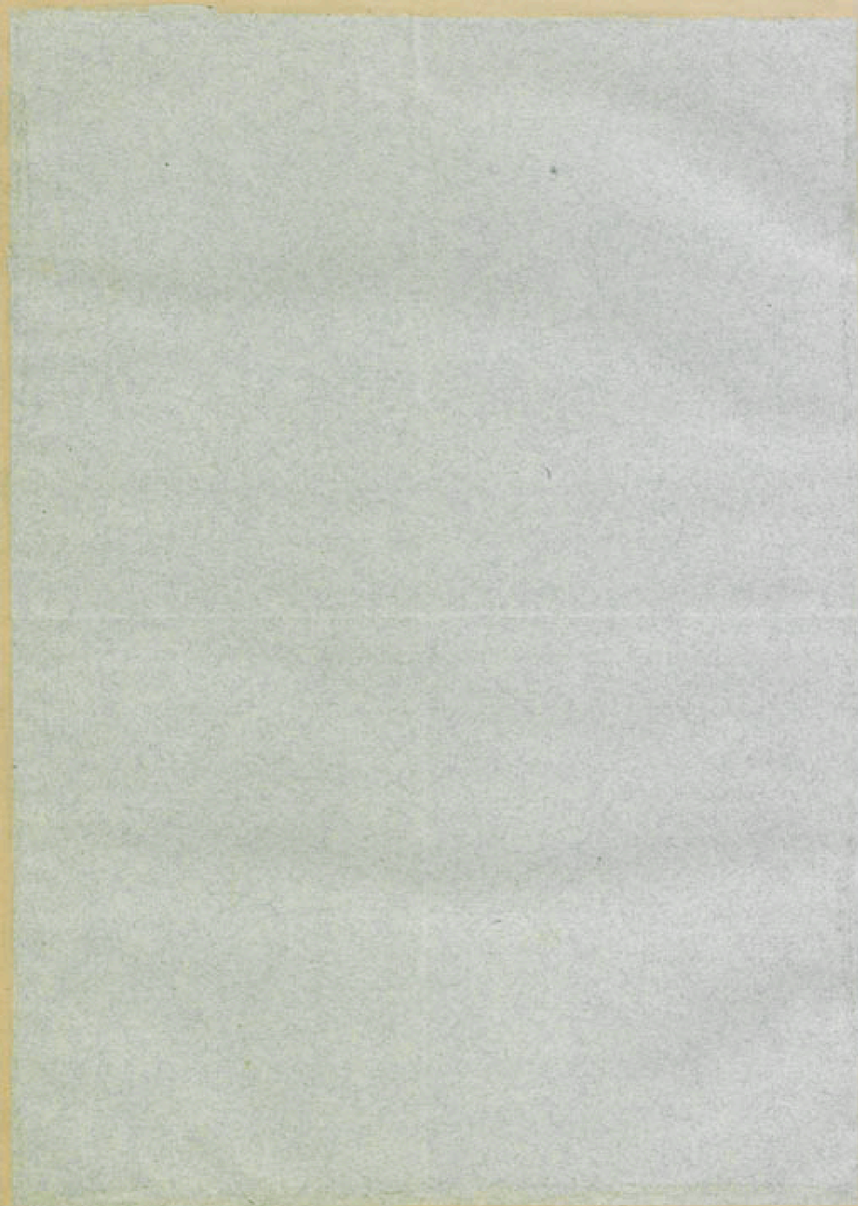
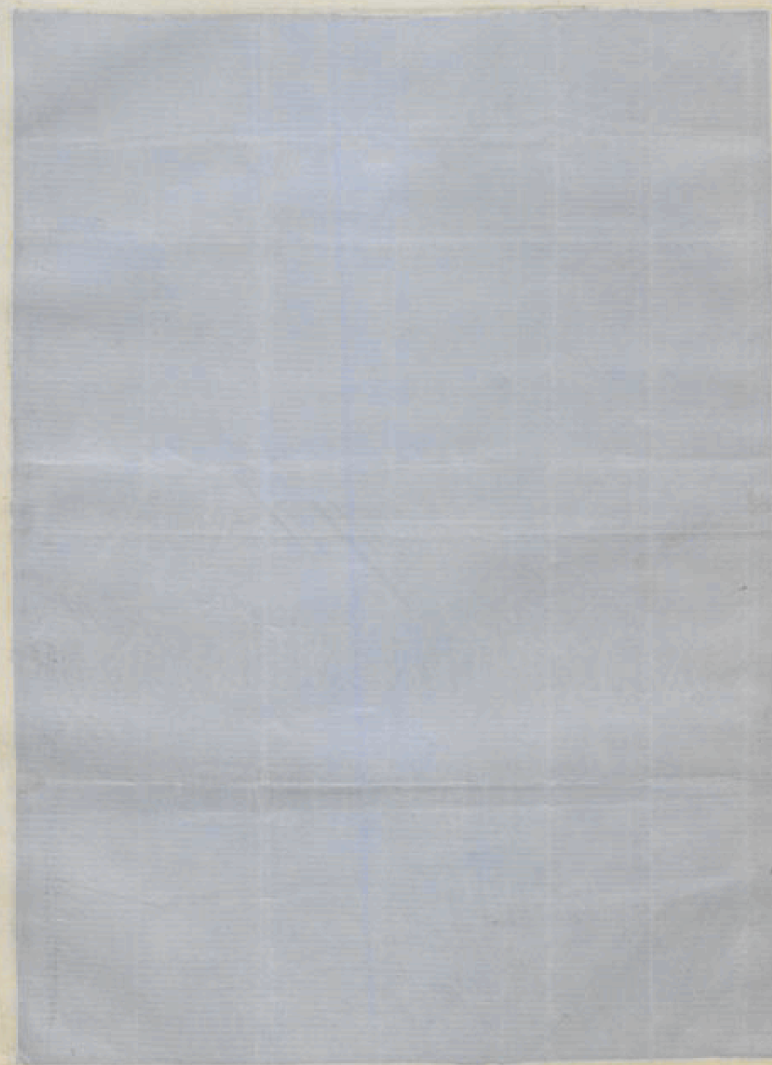
بخصوص [illegible] که ضبط شده پنج [illegible] خانه تا [illegible] هم در کار انجام [illegible]

به اول کار [illegible] در [illegible] شد [illegible]

کردن [illegible] بابت آن باید کرد [illegible]

امروز هم صورت [illegible] معامله [illegible]

[illegible] معامله شد چون حکم مبارک [illegible] جواب [illegible]

١٢

١١

به عرض حضور مبارک بندگان حضرت اقدس اسعد والا [illegible]

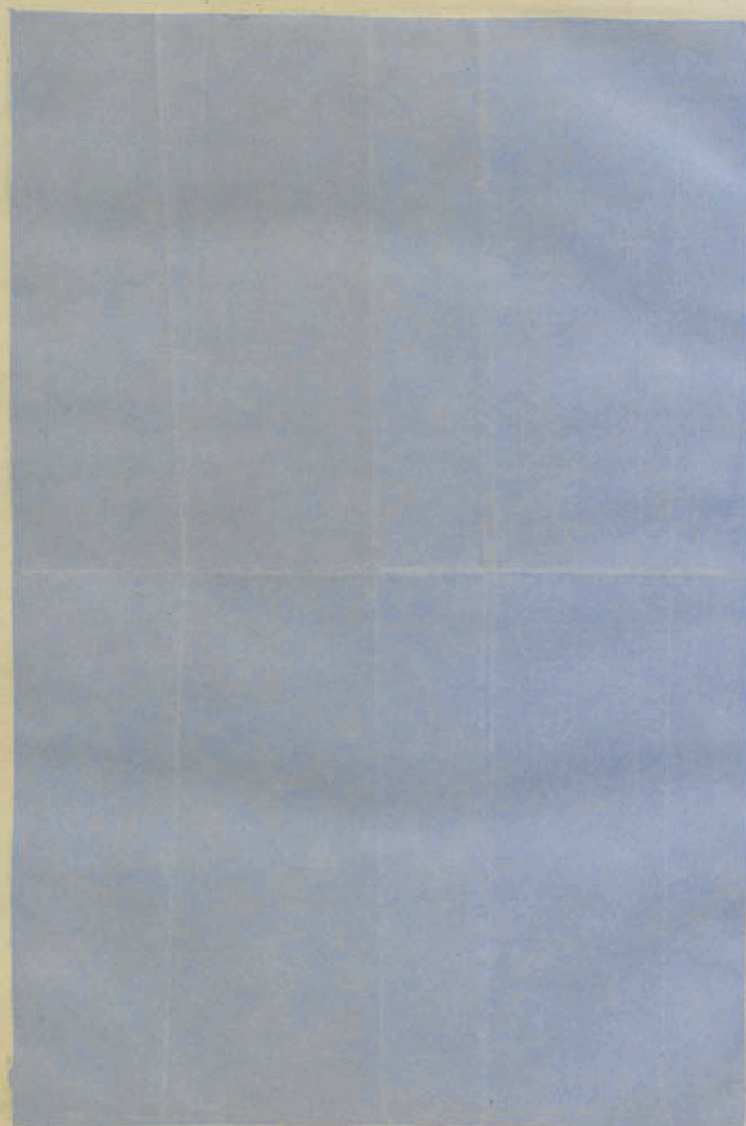
در مجلس خیریت [illegible]

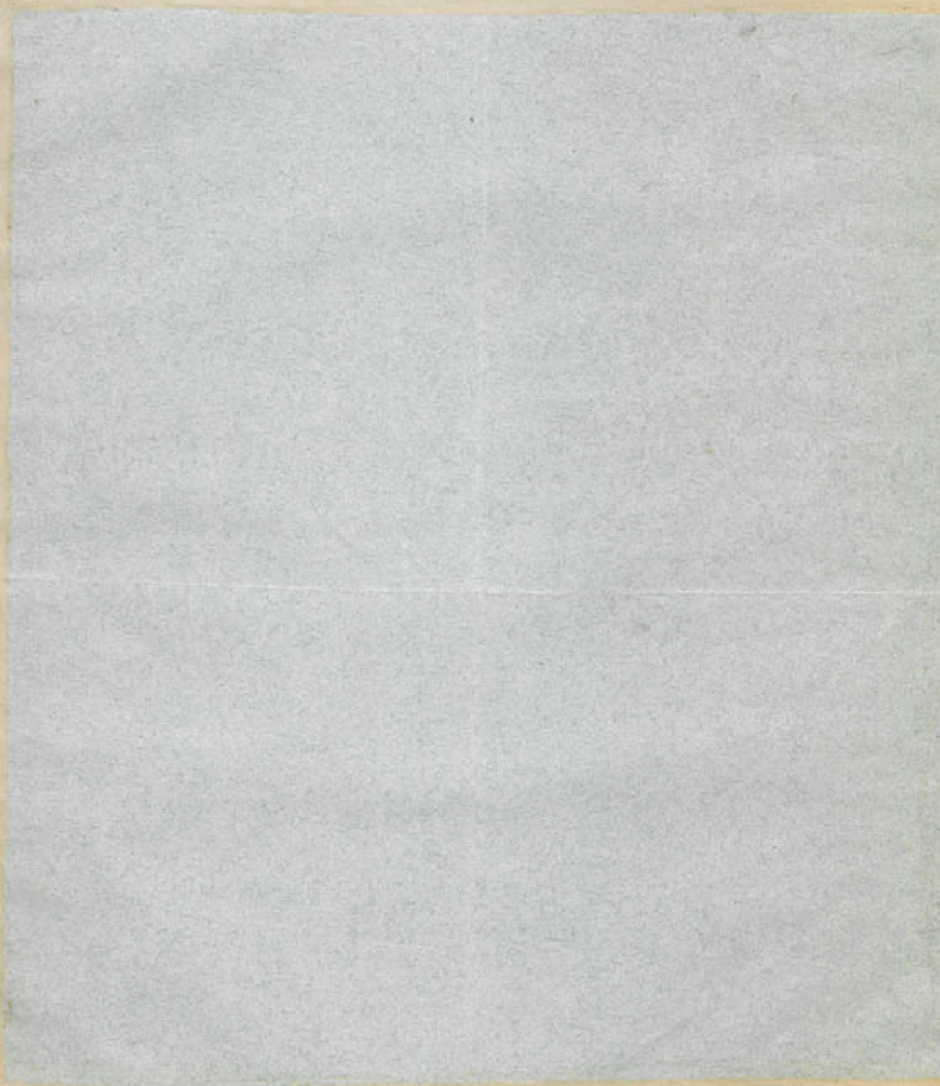
اگر چه یقین است [illegible]

هر ساعت [illegible]

خدا داند که [illegible] حضرت اقدس والا [illegible]

[illegible]





قربان حضور مبارکت شوم — درباب زر و شاهیهای سکه زده که آن در رعایت حال آنها [illegible]

مهر لعل مبارک بر طبق دستخط مبارک رسید رقم زبده شرف صدور [illegible] زیارت و مقرر فرمودید [illegible]

کامل بموقع اجرا گذارند و نیز حسب الامر مطاع اعلیحضرت اقدس همایون [illegible] مقرر است که [illegible]

از جمیع [illegible] تومان بوده و یک [illegible] از آنها مطالبه [illegible]

از آنها مطالبه و دریافت میشود مقرر فرمودند [illegible] زده و کسان [illegible]

[illegible]

دنیا [illegible] از آنها مطالبه نشود لکن معلوم شود چیزی زیادتر باهم دیگر مطالبه [illegible]

آن وجه [illegible] خود را [illegible] بعرض [illegible] رسیده است [illegible]

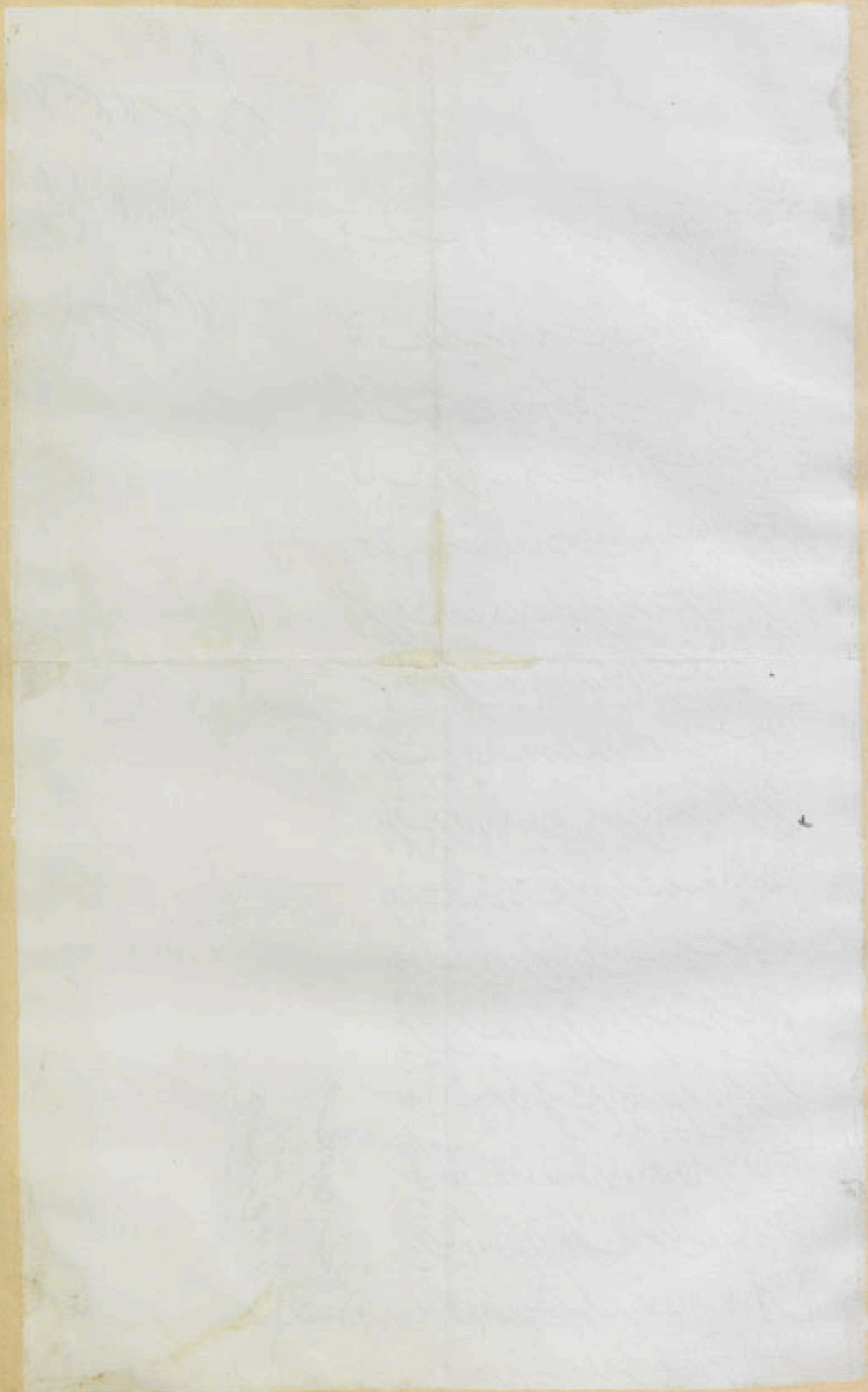
از طایفه [illegible] مطالبه و دریافت میشود حسب الامر قدر قدر همایون [illegible]

[illegible]

کارگذاران حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible]

جناب [illegible] از جانب [illegible] قلمی میداریم [illegible]

تلگراف [illegible] رسید مشروح [illegible]

تلگراف [illegible]

در باب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳۰۴

۲ جمادی الثانی [illegible] دوم شهر ربیع الاول [illegible]

[illegible]

عرض داشت این بنده [illegible] حضرت اقدس [illegible]

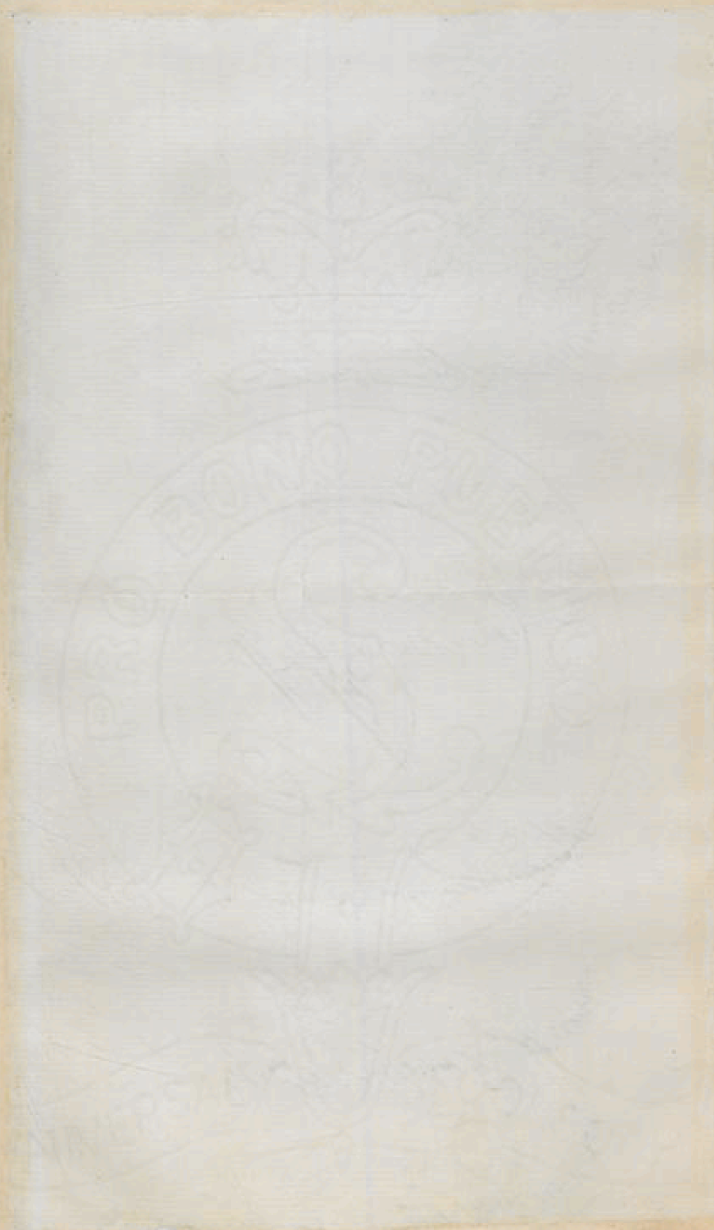
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



قربان خاک پای جواهر آسای مبارکت شوم

عریضه میداریم این خانه زادان [illegible]

[illegible] این خانه زادان [illegible] مالیات [illegible]

در [illegible] روزی [illegible] حق [illegible]

[illegible]

که [illegible] این خانه زادان [illegible]

حال [illegible] این خانه زادان [illegible]

[illegible]

بر زحمت [illegible] اجابت داریم الباقی امر کم الاعلی مطاع

قربان خاک پای مبارکت گردیم

این خانه زادهای قدیم داریم که قدری [illegible] عمل دارد و قدری [illegible]

مستدعی از لطف و مرحمت بندگان حضرت [illegible] والا [illegible]

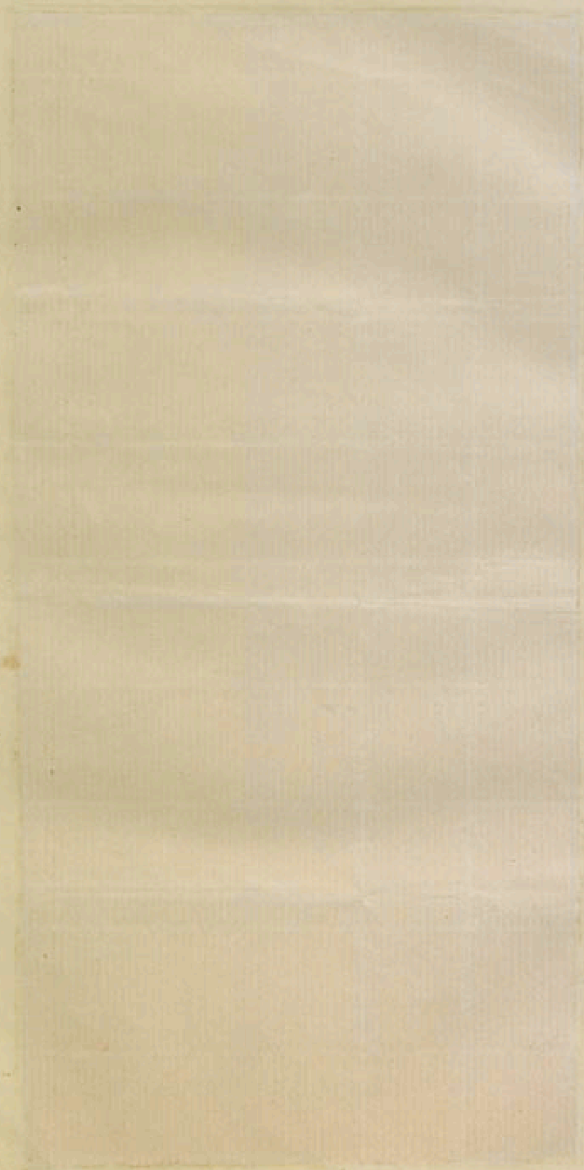
قلیل باغ و بیرون آب خانه زادهای قدیم را دستخط مرحمت [illegible]

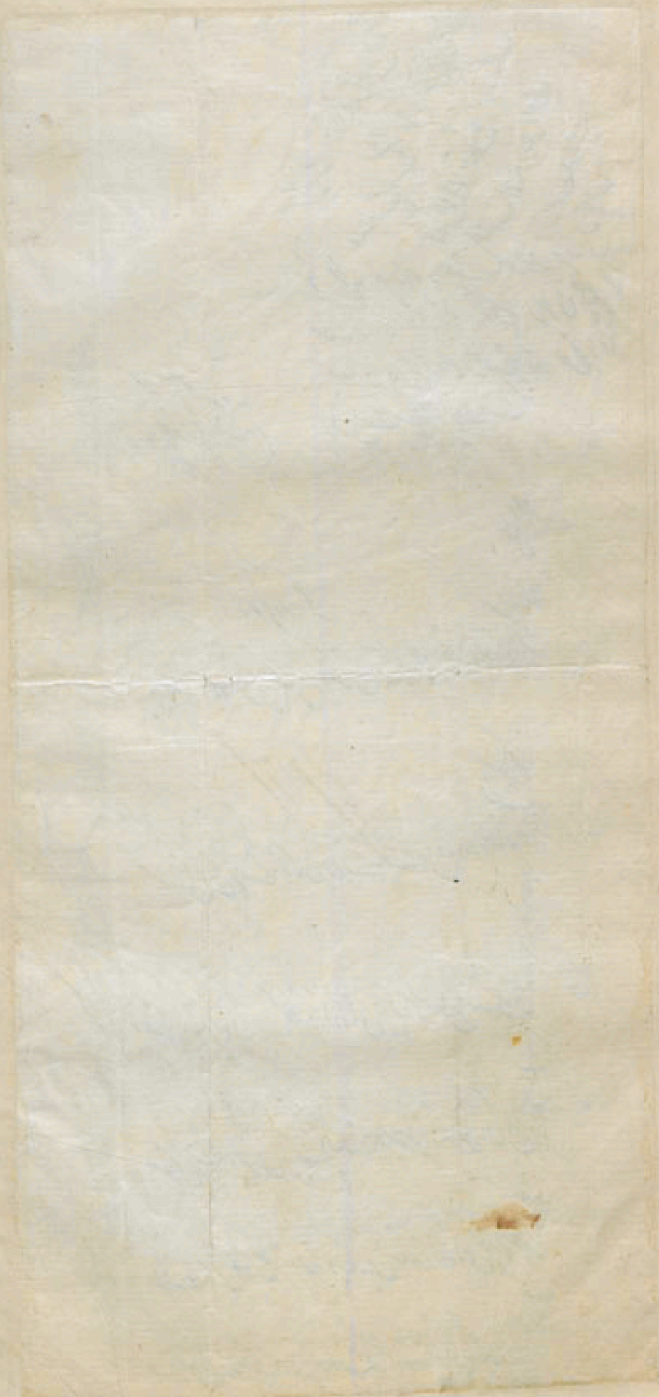
متعرض نشده و چیزی از بابت مالیات مطالبه ننمایند که مداخل آن باغ [illegible]

صرف معاش خود و متعلقان این خانه زادهای قدیم [illegible]

در روز مشغول دعاگوئی دولت ابد مدت باشند امر او بندگان حضرت [illegible] والا

١٢٩٦





جناب [illegible] تلگرافی که [illegible]

کرده‌ام در جواب [illegible]

[illegible] جواب [illegible]

شما در کلیه امورات [illegible]

تا [illegible]

[illegible] ۵ جواب [illegible]

جناب [illegible] تهران [illegible]

[illegible]

[illegible]

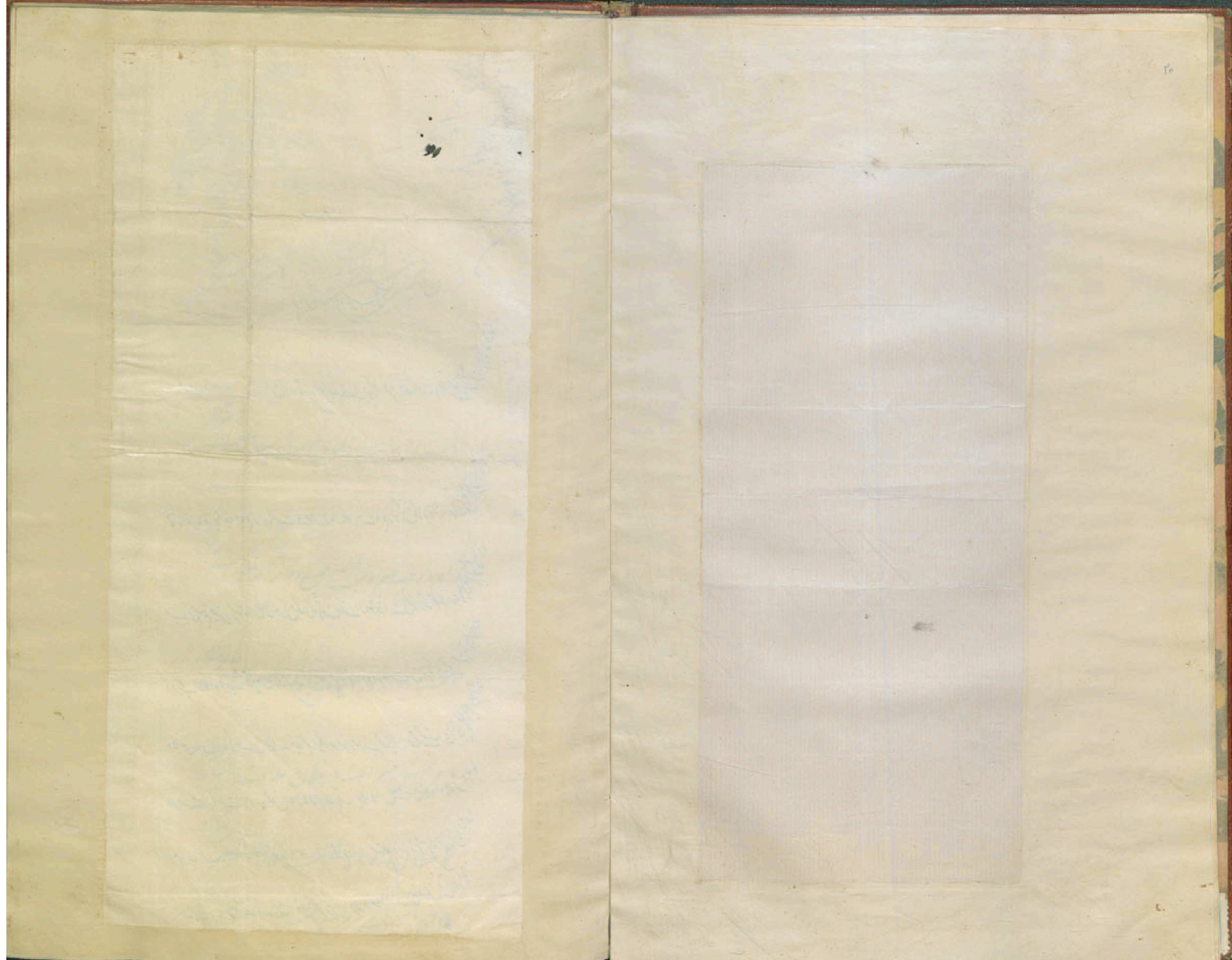
[illegible]

[illegible]

[illegible] تهران [illegible]

[illegible]

[illegible] محرم [illegible] ۱۳۰۲



قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم

عرضه میدارد این دعاگوی واقعی سید رسول فرزند [illegible] ... عمر و دعا گوی

[illegible] امام زاده [illegible] معروف بامام زاده [illegible] که از اولاد [illegible] ... دعاگوی

[illegible] در آن مکان شریف توقف دارم ... مشغول دعا گوئی ... اشتغال دارم

[illegible] امام زاده ... ولایت این دعاگو ...

ولایتی این دعاگو ... سرکار ... الاحکام ...

حکومت [illegible] ... مبارک ... داده اند ...

وجود مبارک را ... محفوظ ... عزیز و محترم دارد ... دعا دارم ...

[illegible] مبارک ... [illegible] ... دعاگو ...

[illegible] دعاگوئی وجود مبارک [illegible] اشتغال دارم ... امر ...

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت گردم

تا فقیر از رعیت [illegible] آباد

از سنوات سابق تاکنون معمول است همه ساله [illegible] مراغه

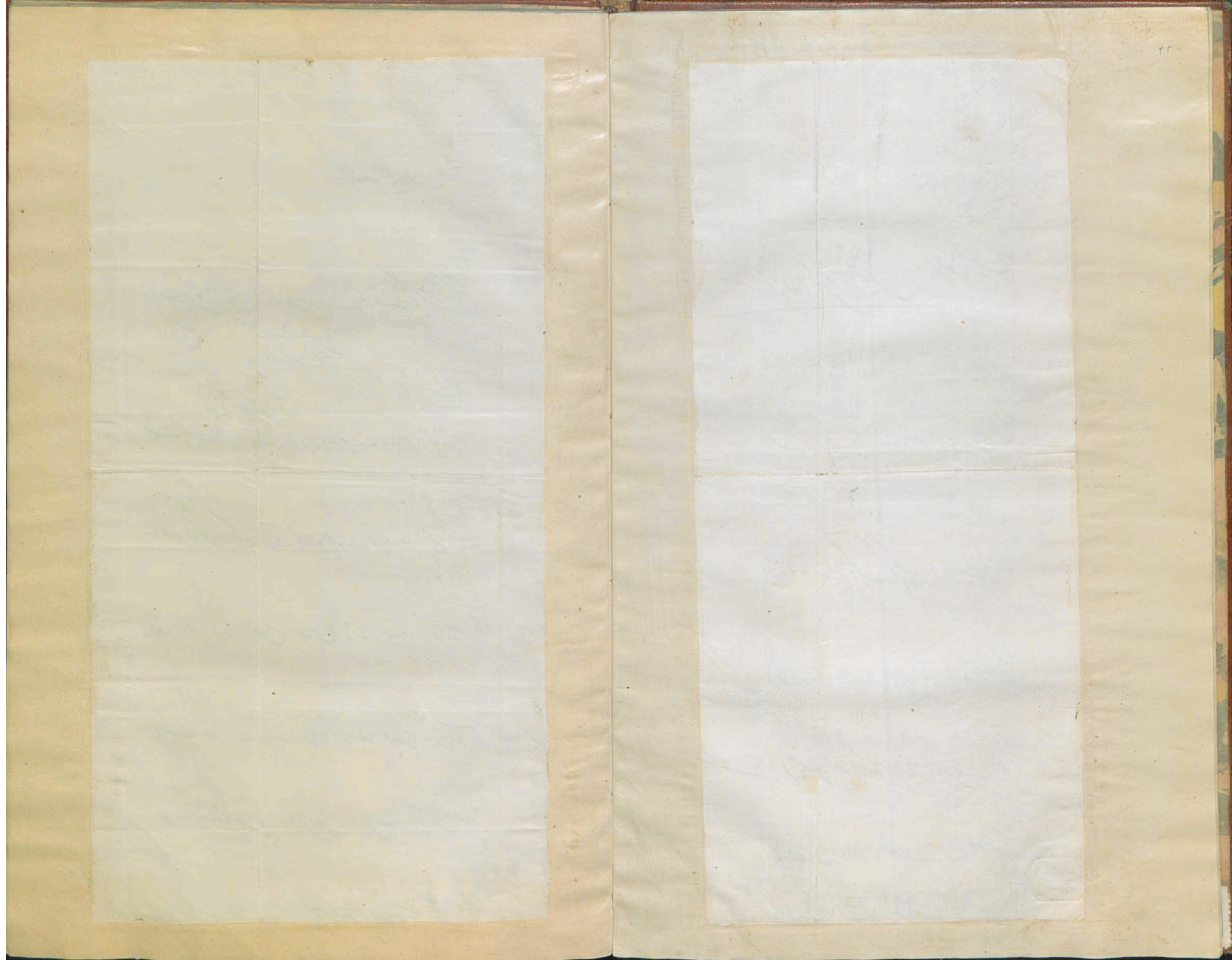
داده و میدهیم و ثبت جمیع دفاتر است [illegible] حال

فرستاده اند در این ماه مبارک [illegible] میخواهند

با فراش میخواهند در زمان عدالت توامان [illegible]

تماما مکان ما رعایای [illegible]

هر چه هم با معدلت خسروانه رحمت [illegible]



[illegible]

قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت گردم [illegible]

عریضه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت شوم [illegible]

[illegible]

[illegible]

و مقدار [illegible] کردم [illegible]

[illegible]

سال است فقرا [illegible] گرسنه [illegible] آمده‌اند [illegible]

فقرا [illegible] لابد شده‌ایم [illegible]

[illegible]

جناب جلالتمآب صاحبدیوان دام اجلاله العالی [illegible]

[illegible] حفظه الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حفظه الله [illegible]

[illegible] شهر [illegible] المبارک [illegible]

[illegible]

[illegible]

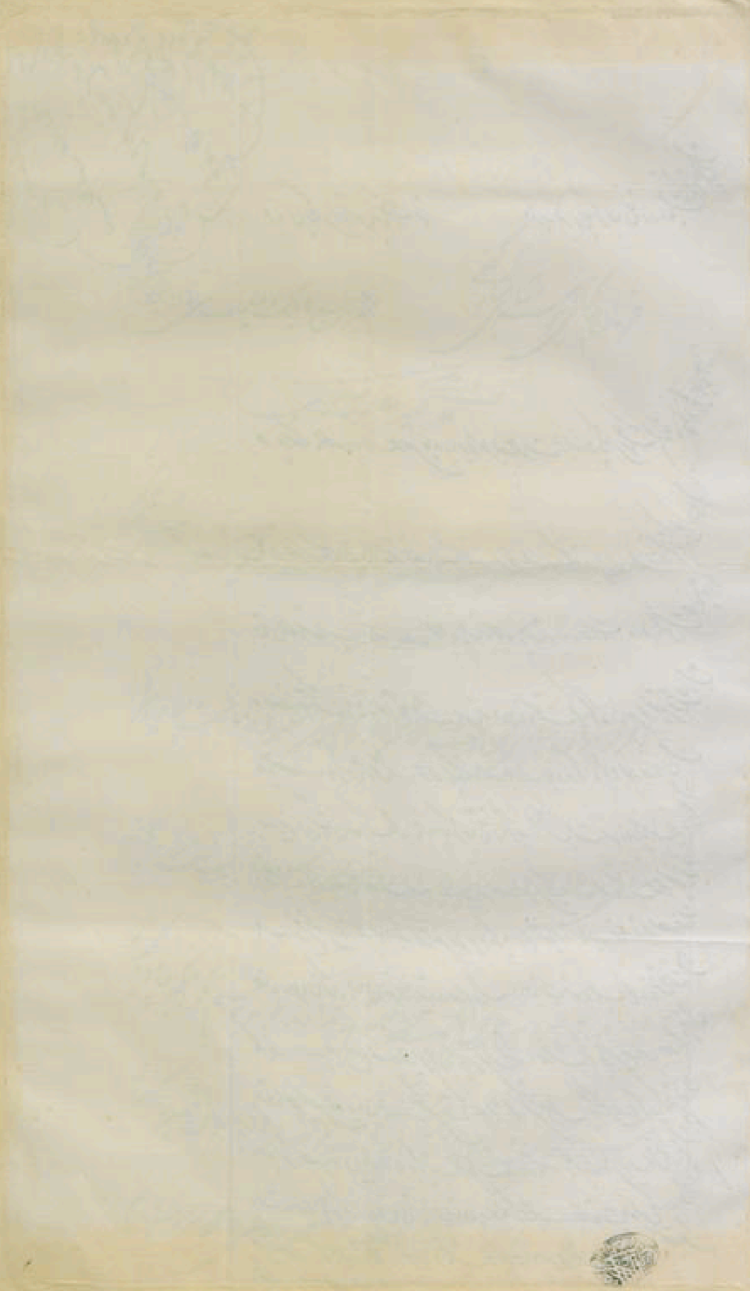
[illegible]

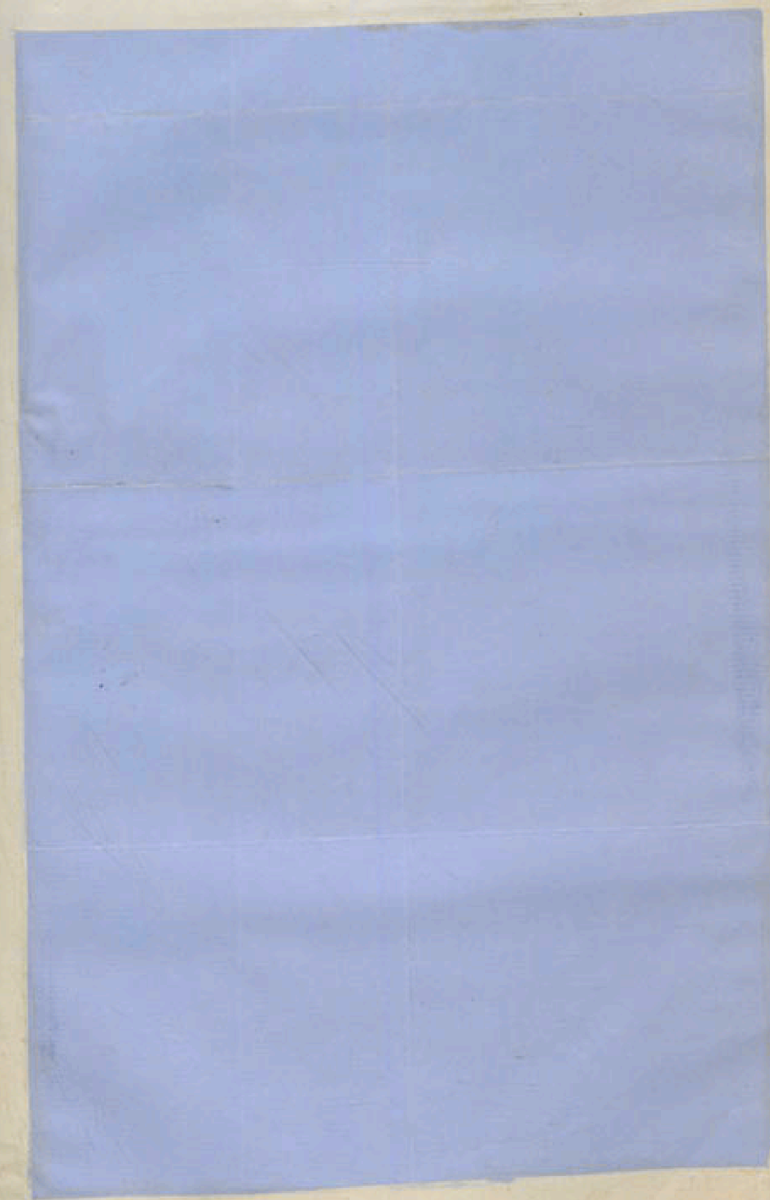
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]





قربان خاکپای اقدس مبارکت شوم — اگرچه قربان خاکپای مبارکت [illegible]

در پیشگاه حضور مبارک عرض نماید [illegible]

که در حضرت سلیمان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت گردم — مقصر جمیع ممالک و [illegible]

علی اکبر [illegible] سنقری

مدتی در قصبه سنقر شبانه قفل دکانم را شکسته و آنچه داشتم از نقد و جنس برده‌اند

و قرار در آن آبادی این است داروغه دکانها چهار یک میگیرد و مواظبت مینماید که

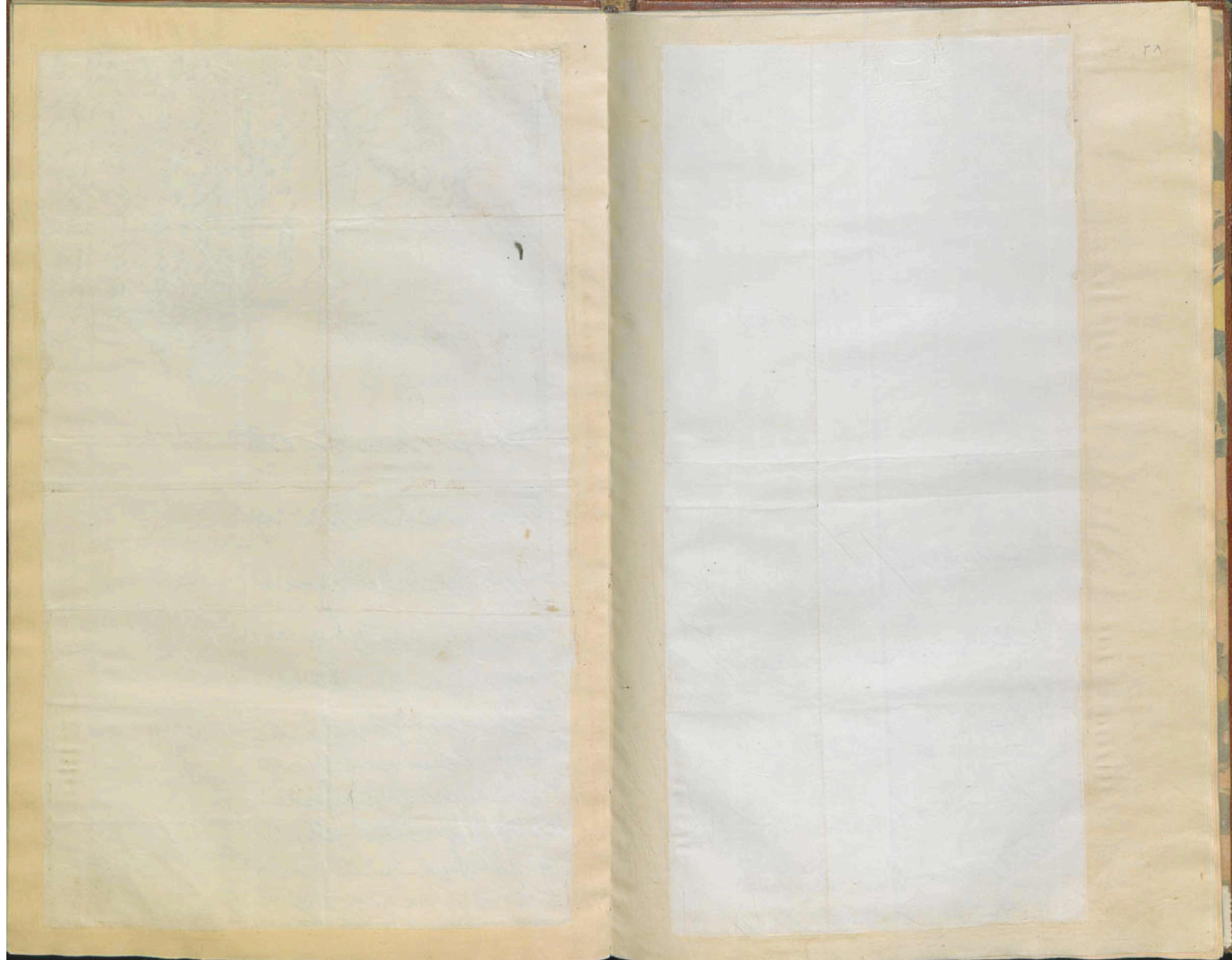
سرقتی نشود باید از عهده برآید حال داروغه قصبه میرزا حسن و بابا [illegible] متعهد [illegible]

و در مدت [illegible] عرض حال نمودم کسی به دادم نرسید [illegible]

باستان عدالت بنیان آمده ام که توجه ملوکانه فرمایند اموال مقصر را [illegible]

از داروغه که شریک دزد و رفیق قافله است [illegible] دعاگوی وجود مبارک باشم

خداوند بر حشمت و اجلال و ابهت و اقبال بندگان [illegible]



[illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت گردم

عرضه داشت این غلام جان نثار کمترین خاکپای همایون اعز امجد اقدس اشرف اعظم اکرم حضرت ظل الله روحنا فداه

حضرات سعادت آیات

چند سال است که کارخانه ... [illegible] ... مطالبه ... [illegible]

... در رحیم آباد و حق آب ... داریم که مخصوص ... [illegible]

... آب خود ... [illegible] ... آب ... [illegible]

... [illegible] ... اینجانب ... [illegible]

... [illegible] ... با وجود این ... [illegible]

... [illegible] ... عرض این غلام ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... حکم حضرت ... [illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای اقدست گردم   این چاکر ... [illegible]

رمضان ... دختر ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

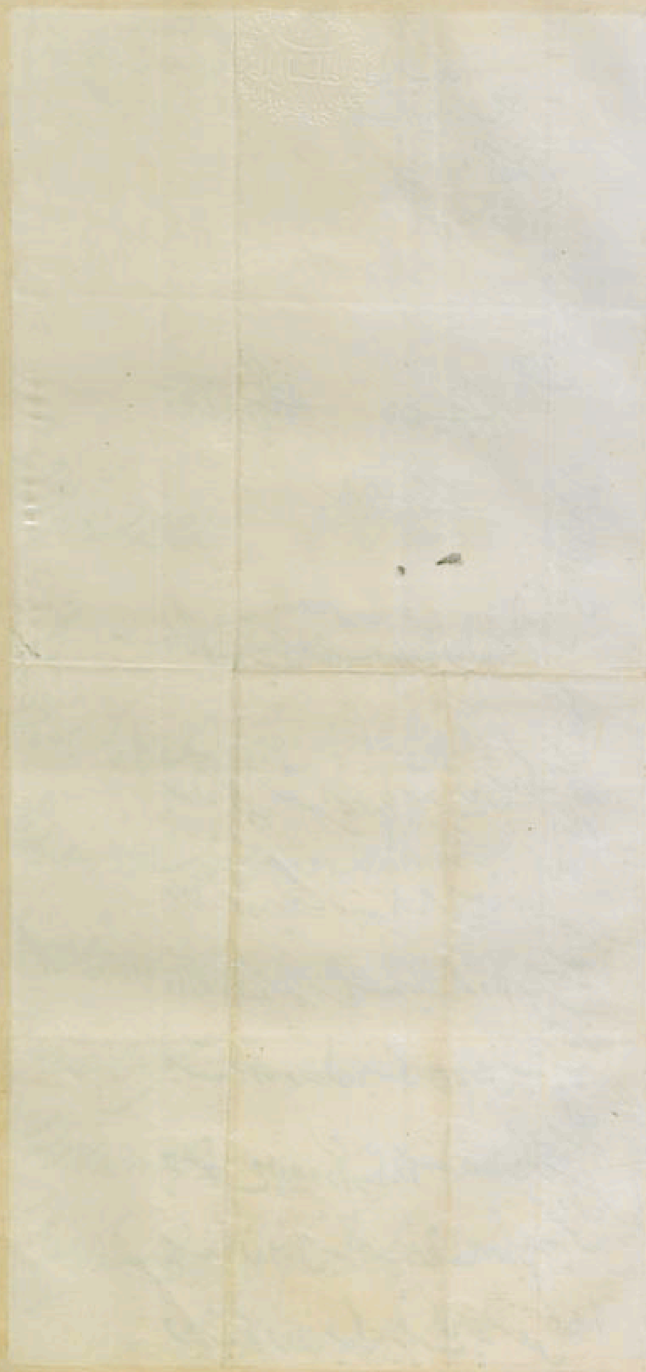
... [illegible]

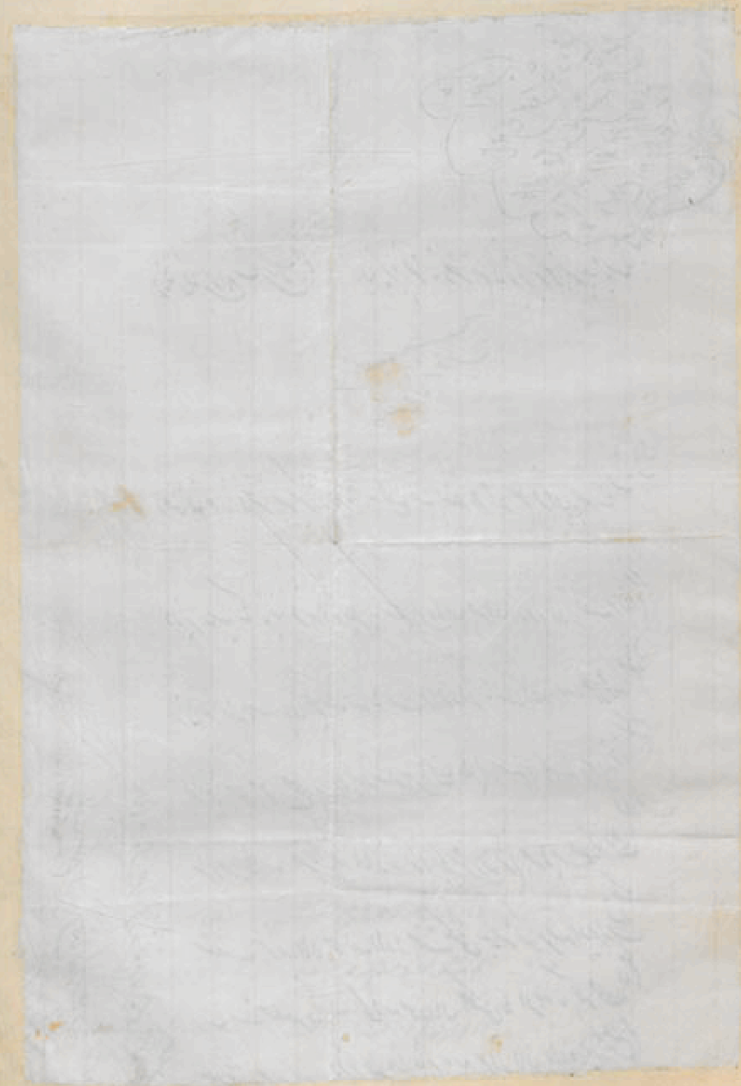
... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]





قربان خاک پای مبارکت گردم — حاجی سید عبید الحسین بلاعقب و اولاد ذکور مرده است

میرزا زین العابدین خان [illegible] رسانده

دعاگو مراتب استحقاق و پریشانی حال خود را بعرض اولیای دولت علیه رسانده

بعد از تحقیق تسعیر آن مرحوم را بموجب فرمان مبارک در حق دعاگو قرار

برقرار نموده اینک سید باقر نامی باشتباه خود را اولاد آن مرحوم

داده و در دستور العمل باسم سید باقر ولد حاجی سید عبید الحسین

ثبت نموده و حال آنکه مرحوم حاجی سید عبید الحسین

بلاعقب و اولاد ذکور ندارد استدعا دارد که دستخط مبارک

به بندگان آقای مشیر الملک شرف صدور یابد که تحقیق [illegible]

فرمایند که فرمان مبارک به ثبت کتابچه [illegible] نمود

تصدق خاک پای مبارکت گردم — عرض این جان نثار سید دعاگو [illegible]

عریضه سید مهدی

با [illegible] در قریه [illegible] دارم که باید جمعی از عیال [illegible]

همه ساله از [illegible] دولت [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible] سررشته [illegible] این سید دعاگو را

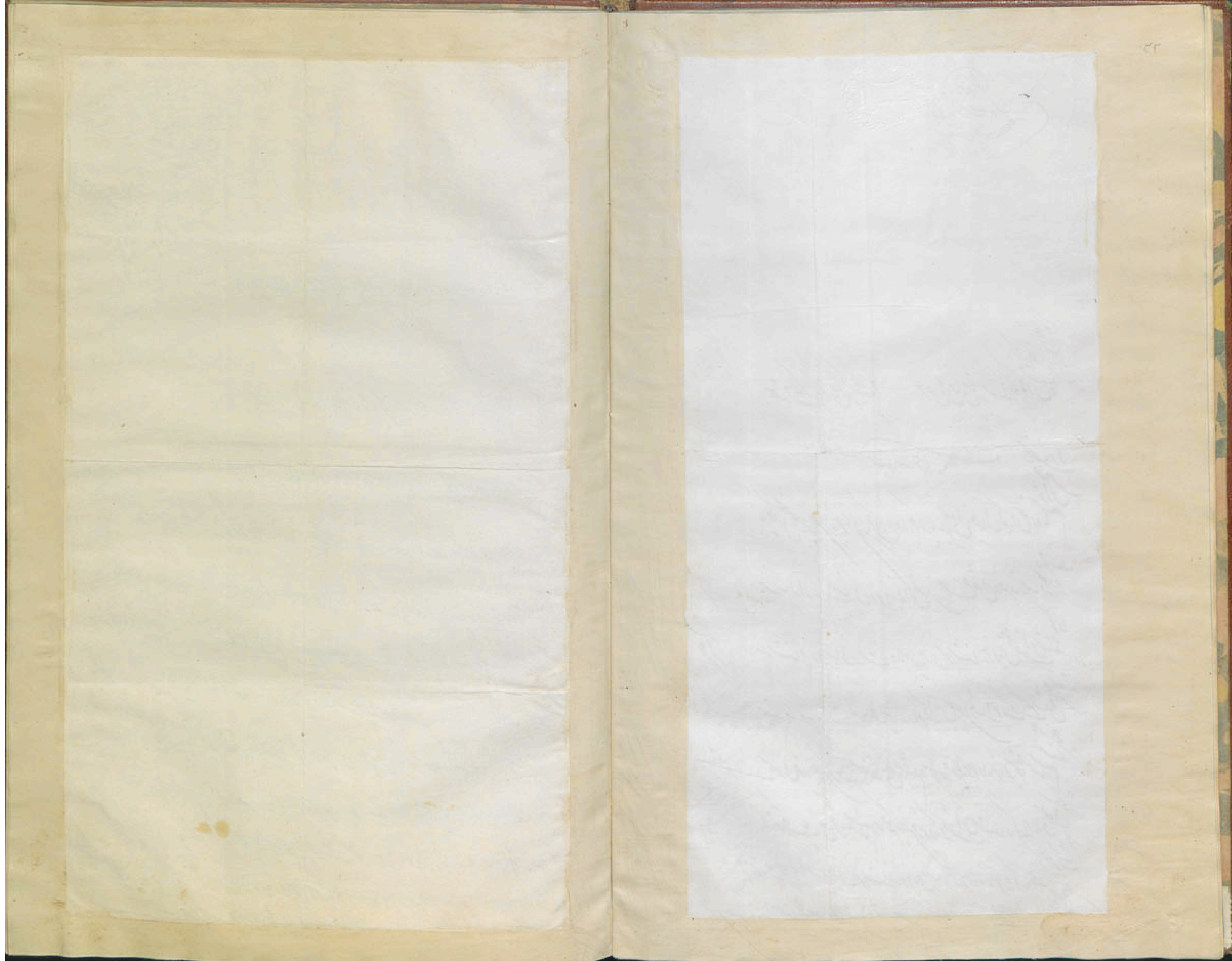
[illegible] مالیات را [illegible] جمعی از عیال [illegible]

[illegible]

از خاک پای مبارک [illegible] حکم [illegible] فرموده که [illegible] این سید دعاگو را

عالیجاه [illegible] سررشته [illegible]

[illegible]



[illegible]

قربان خاک پای جواهر آسای مبارکت گردم عرض داشت حضور مرحمت ظهور معدلت ظهور [illegible]

عرایض
رعایای [illegible]

رعایای [illegible] الملک [illegible] جان نثاران [illegible] و [illegible]

[illegible] جان نثاران [illegible] حضرات [illegible]

معروض [illegible] سرکار [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] جان نثاران [illegible] حضرات و [illegible]

[illegible] جان نثاران [illegible]

[illegible] جان نثاران [illegible]

احوال [illegible] زراعت [illegible] مالیات [illegible]

و [illegible] حضرت [illegible]

و حکم [illegible] صدور [illegible] حضرات [illegible]

جان نثاران [illegible]

[illegible] جان نثاران [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

عرضه داشت بندگان دولت ابد مدت قاهره بموقف عاکفان کعبه حضور [illegible] عالیات قدر قدرت

قربان مهابت بهرام صولت سلیمان حشمت [illegible] قربان خاکپای [illegible] فلک [illegible]

اقدس [illegible] عرض [illegible] جان نثار [illegible] عبدالحسین خان [illegible]

بنای طاحونه جدید دارد از آب [illegible] خالصه [illegible] نماید [illegible]

جدید [illegible] خبر [illegible]

[illegible] جان نثار [illegible] قبله عالم

[illegible] جان نثار [illegible] نماید [illegible] جان نثار [illegible]

[illegible] مالیات [illegible]

[illegible] طاحونه جدید [illegible] خالصه

[illegible] مطالبه مالیات [illegible] جان نثار [illegible]

[illegible] جان نثار [illegible] مردم [illegible] حکم [illegible]

[illegible]
۱۳۱۵/۳/۲۳

تصدق خاکپای جواهر آسای مبارک گردم

عریضه داشت این جان نثار کمترین

عرض جان نثار میرزا [illegible]

آن است عالیجاه ابراهیم آقا مبلغ [illegible] هزار تومان از جان نثار گرفته [illegible]

هشتصد تومان کاه و جو داده است و هفتصد تومان هم نقد داده است و مبلغ باقی [illegible]

مدت پنجاه است حمل گذشته و نمیدهد و باقیمانده [illegible] تومان چند نفر طلبکار [illegible]

سرکار میرزا حسینعلی [illegible] | سرکار عظمت مدار [illegible] آقای صارم الدوله | سرکار میرزا [illegible]

[illegible] | [illegible] | [illegible]

طلبکارها هر کدام طلب خود را مطالبه میکنند جان نثار جواب [illegible]

بدهم و عالیجاه ابراهیم آقا هم جان نثار را معطل نموده مستدعی از مرحمت [illegible]

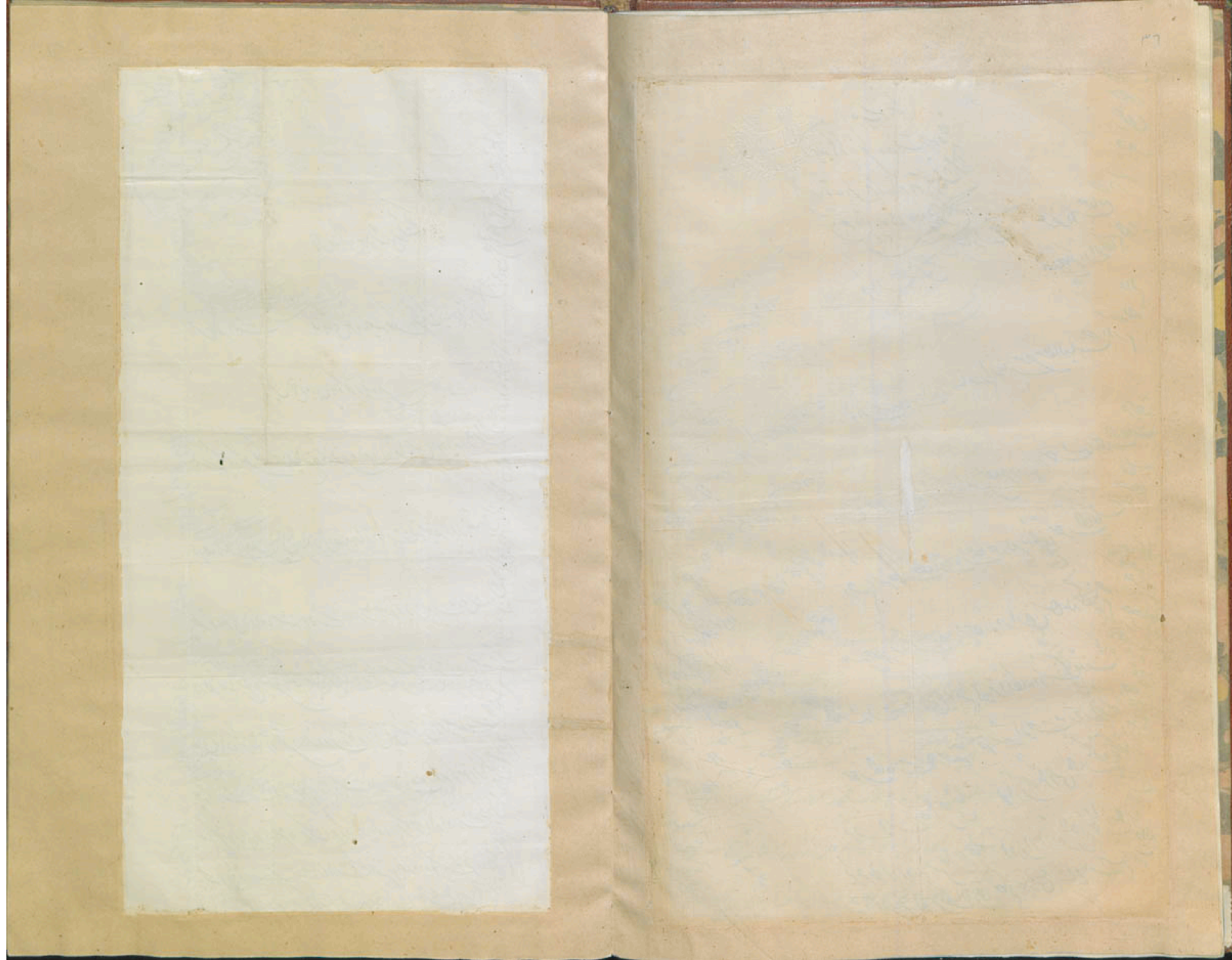
چنان است که حکمی درباره ایشان [illegible] جان نثار شود که [illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک [illegible]

[illegible] دارم

نواب [illegible] والدین [illegible]

[illegible]



قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت گردم

عریضه داشت — به خاکپای خجسته ناصیه مملکت و کشورگشای [illegible]

این اقل رعایای [illegible]

استدعا که در ممالک مملکت ایران هر که [illegible] از آنها [illegible] وارد آید در طلب مرحمت

در چهار سال قبل از این برادر این [illegible] وفات یافته ضعیفه از تبریز آمده [illegible] شده

کدام دختری از او داشته ام فوت شده ارث می‌خواهم به خاکپای مبارک عارض شده

در محضر حاکم شرع تسلطی نیافته حال می‌گویند باید فلان [illegible] ضعیفه

[illegible] برادر [illegible] در [illegible] ضعیف [illegible]

چند وارث [illegible] صغیر و کبیر دارد [illegible] از الطاف عام دارم که مقرر فرمایند

حاکم شرع [illegible] هر که دارد [illegible] وارث

[illegible] ارث [illegible] دعاگو [illegible]

عرض [illegible] حکم [illegible]

قربان [illegible]

عرض [illegible]

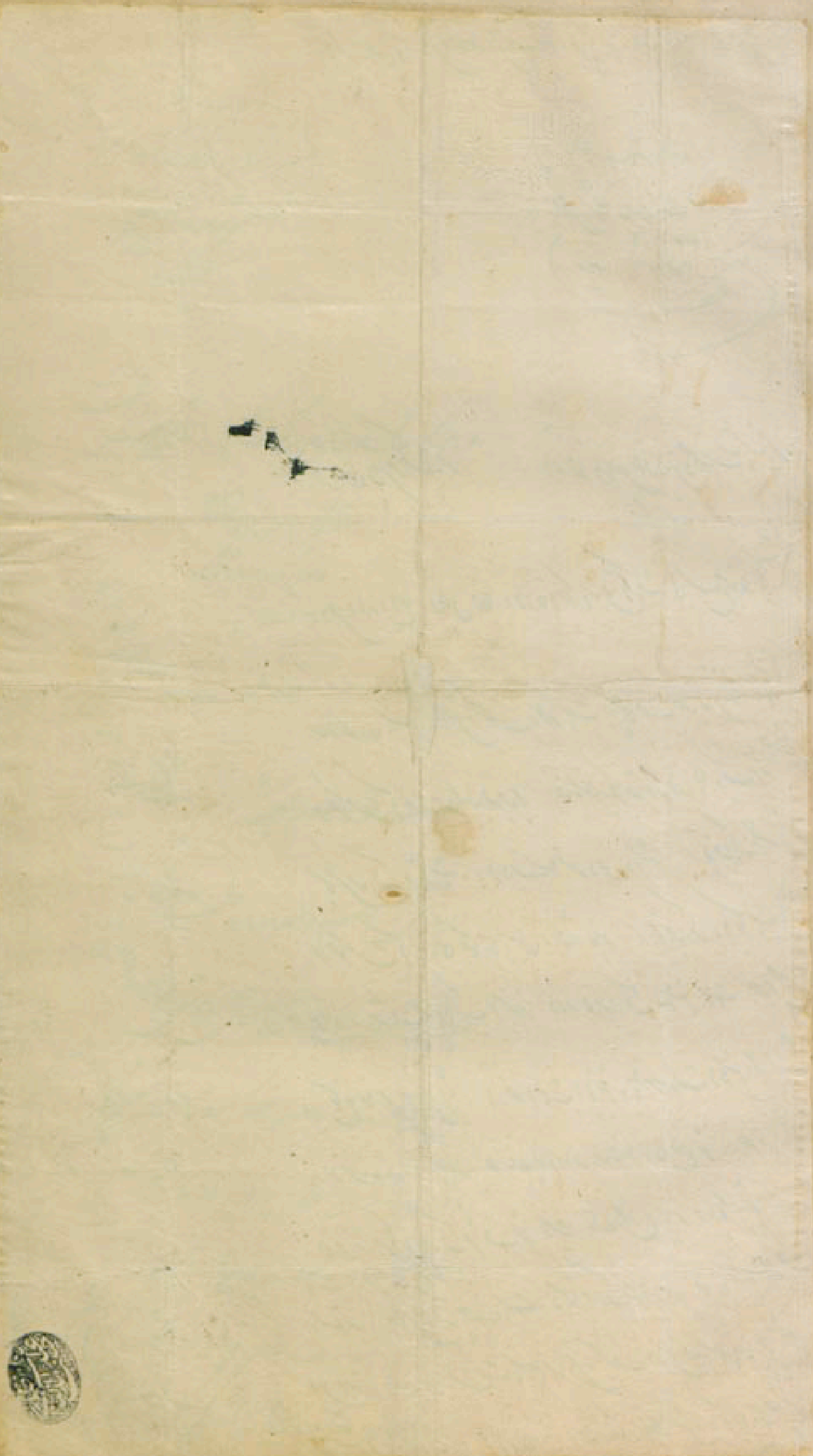
عرض [illegible]

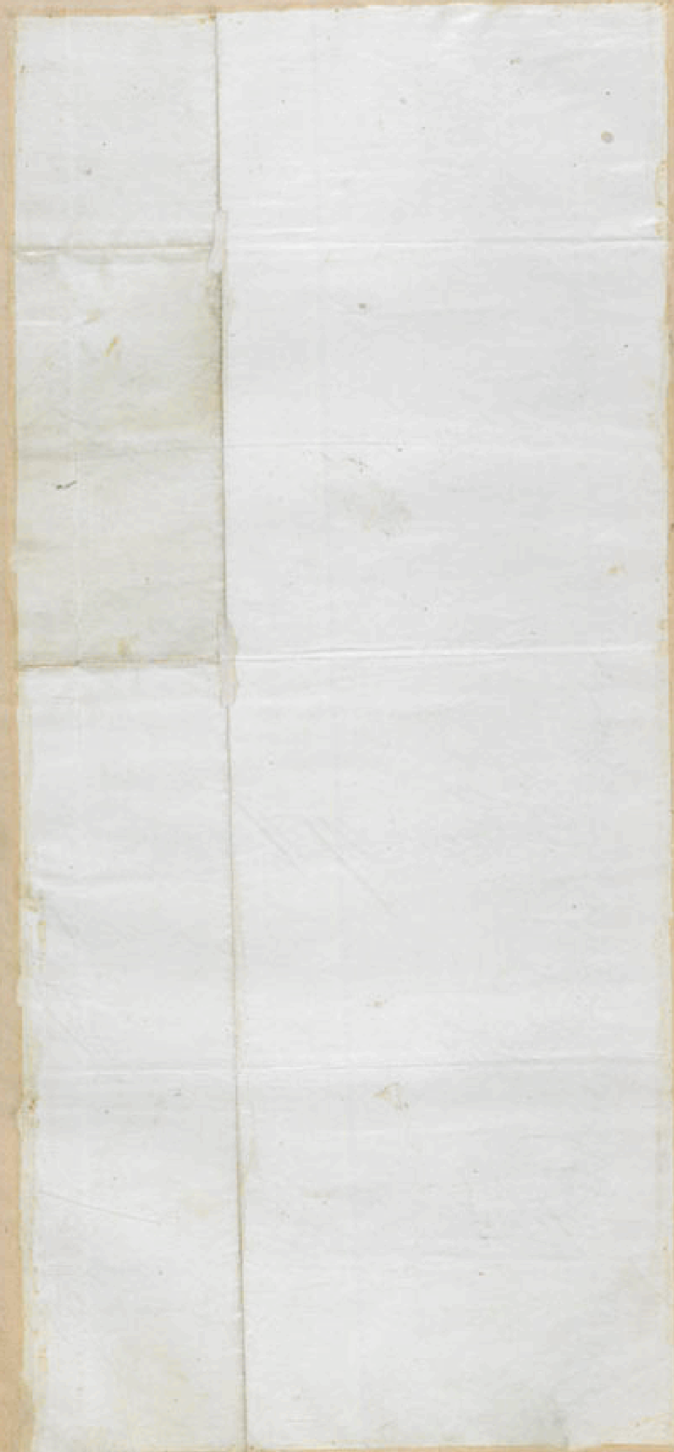
از [illegible]

و [illegible]

[illegible]

[illegible]





فهرست ... [illegible] ... قریب بکار ... [illegible] ... مرحوم ... [illegible]

جناب شیخ الحکما
حکمی که ... است صادر کنم
۱۳۲۴
شهر محرم

قربان خاکپای مبارکت شوم — از فدویان قرآن‌خوانی اعلیحضرت شاهنشاهی

روحی و ارواح العالمین فداه دارالحکومه کرمانشاهان مبلغ ... [illegible] ... مزارع

خالصجات باسم ... و تخفیف برقرار است و هیچوقت مطالبه نمی‌شود ...

در حکومت کرمانشاهان مطالبه ... خالصجات ... در ... یک مرتبه ...

سرکار مبارک مشرف شده و مراتب را معروض داشته رقم مبارک ...

در حکومت کرمانشاهان حکام سابق رفتار نمایند رقم مبارک را ... کرمانشاهان

برده جناب حسام الملک ... در رقم مبارک امر شده است ...

... از مراحم ... حضرت اقدس ...

... در این چند ساله خالصجات ... قطع شود ...

در مرتبه سرکار مبارک مشرف شود ... خارج نماید ...

... از خاکپای مبارک چند سال است دستخط مبارک صادر شود که ...

این ... چند سال است باسم ... و تخفیف در حق ... [illegible]

... باشد و مطالبه ننمایند ... از تصدق وجود مبارک ... [illegible]

جناب شیخ ...
ملاحظه کرده ... مطابق ... سالهای ...
۱۳۲۹
شهر ...

قربان خاکپای ملک فرسای مبارکت گردم — دعاگوی قریب ... سالست

دعاگویان میرزا ابوالقاسم
و میرزا زین العابدین قاضی
عسکر ...

بموجب قرارداد متقدمین از آباء و اجداد ... مبلغ ... نقد و مقدار ...

سه خروار غله باسم ... از ... آقای ... باسم ... بسال

و ... که باسم والدمان و حال بدعاگویان ... است

جناب مقرب الخاقان آقای ملاباشی ... نمی‌دهند

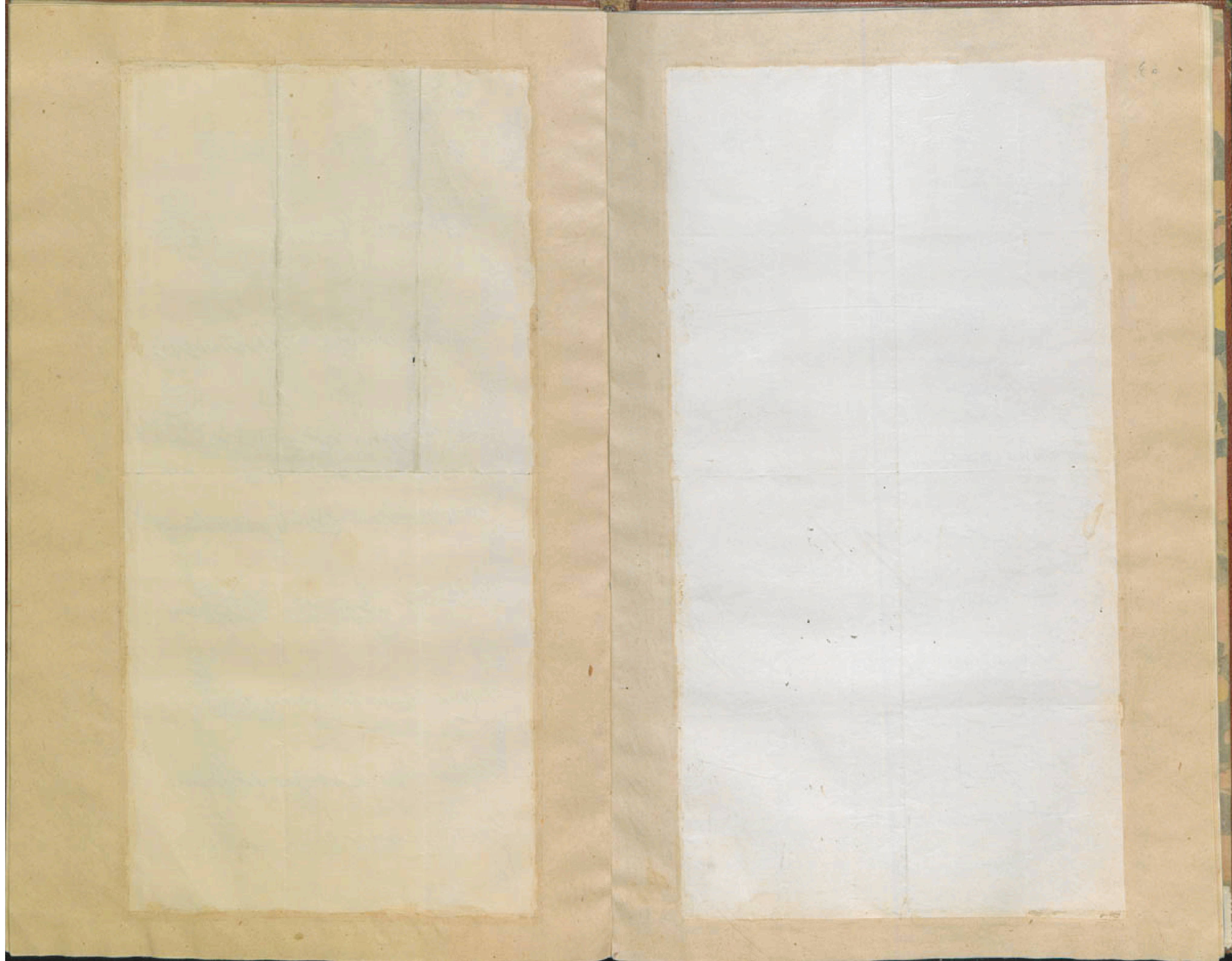
بدعاگویان نمی‌دهند باسم اینکه میرزا ... مانند ...

و حال اینکه این مطلب از قدیم الایام ... جاری بوده

دخلی بحکم جدید و رسم بدیع ایشان ندارد ... عادت دارد

دستخط مبارک شرف صدور یابد که آقای ملاباشی مطابق

سنوات ماضیه مبلغ و مقدار مذکور را کارسازی نمایند



[illegible]

قربان خاکپای مبارکت گردم [illegible]

[illegible]

با تمام [illegible]

[illegible]

امیدوارست که از [illegible] عالی [illegible]

[illegible]

از شکر [illegible]

[illegible]

راه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ثمن ۵۹

الهی با سگکی خاکپای مبارک اقدس همایونت شوم

عرضه می دارد این خانه‌زاد دعاگو که صدر نشین سفره‌های دربار شاهنشاهی [illegible]

و این وجود مبارک با برکات [illegible] از جمیع آفات و بلیات [illegible]

یا ملک الملک محمد و آله اللهم این دعاگو ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]

و حضرات ارامنه چند سال قبل قلیل قلیل ملکی [illegible] منتقل نموده‌اند و حقیقه حضرات ارامنه در خانه حاکم شرع اقرار کرده

این ملک از جریب [illegible] زیاده‌تر خواسته بگیرند حضرات ارامنه که منتقل کرده‌اند [illegible]

نوشته و نقشه [illegible] دفتر هم دارم که جریب [illegible] مالیات [illegible] مرحوم صاحب الملک هم نوشته است [illegible]

چنین ملک است و تاکنون هم جریب [illegible] مالیات بیش نگرفته‌اند و [illegible] ارامنه [illegible] می‌خواهند

از سید دعاگو [illegible] زیادتر بگیرند [illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت گردم. عرضه داشت کمینه [illegible]

اولا جمعی که از [illegible] وجه [illegible] ثانیا [illegible]

دوم [illegible] این کمینه [illegible]

سوم [illegible] این کمینه [illegible]

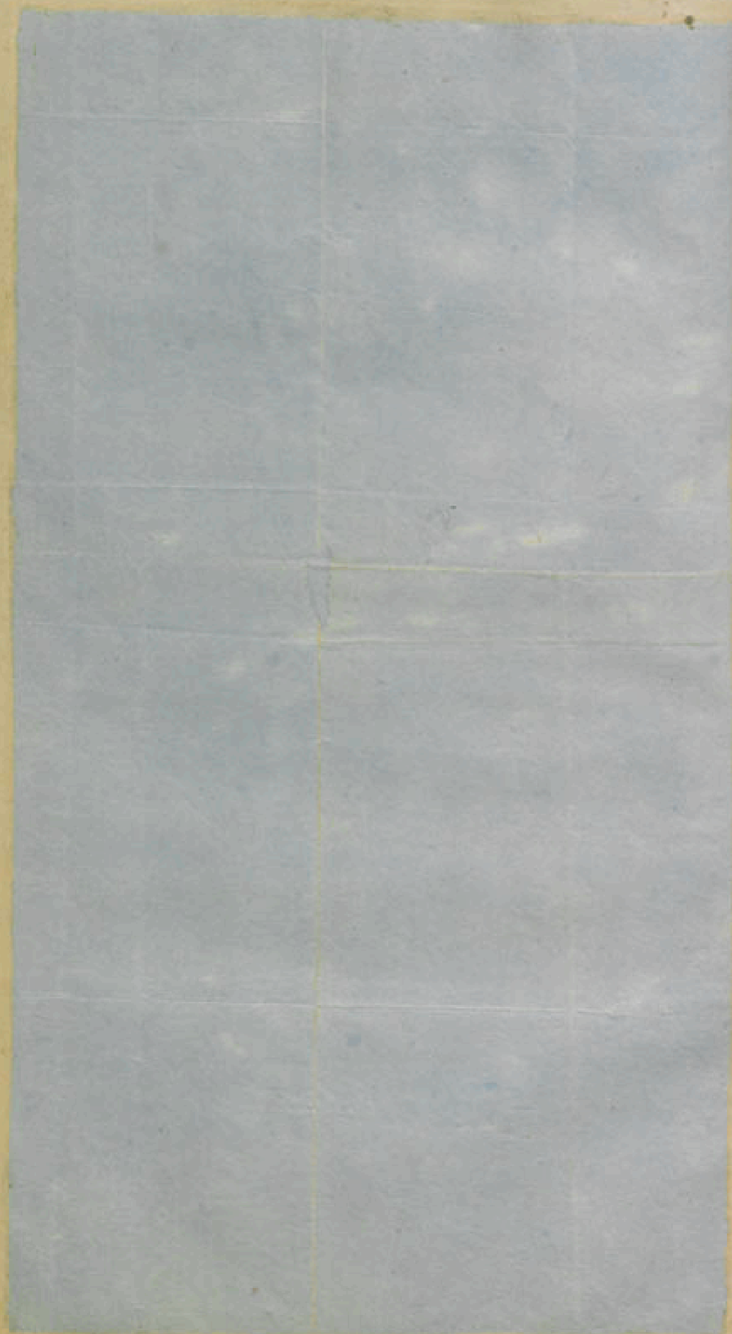
که هزار و چهار [illegible]

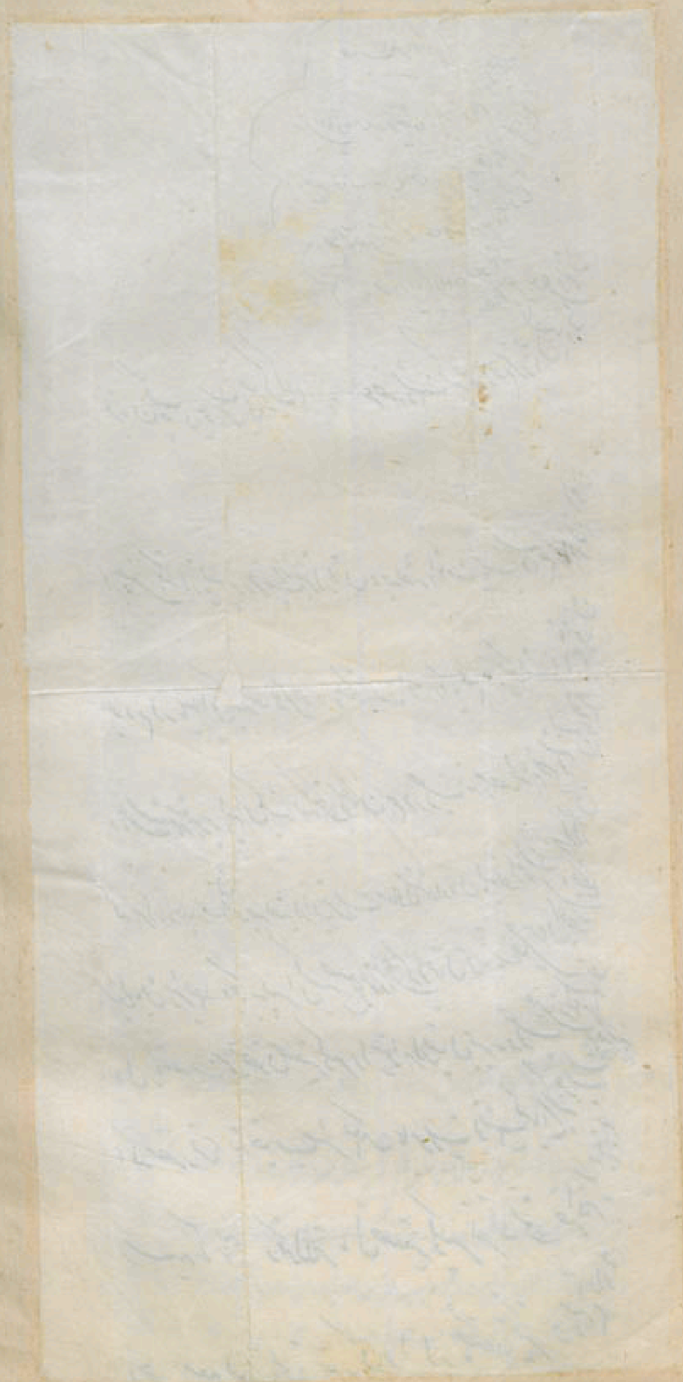
[illegible] صغیر و کبیر [illegible]

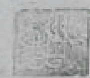
[illegible]

رسید [illegible] صغیر و کبیر [illegible]

وجه معدلت نمود مبارک را از [illegible]







جناب جلالتمآب حسام الملک حکمران دارالدوله کرمانشاهان [illegible]

[illegible]

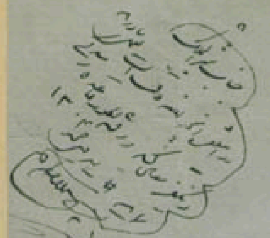
[illegible]

[illegible]

آنجناب [illegible] محکمه شرع [illegible] کرمانشاهان [illegible]

هر کدام در محکمه شرع حکم [illegible]

[illegible] ۱۳۰۴



قربان خاک پای مبارکت گردم عرض این بنده کان [illegible]

[illegible]

رعایای [illegible]

[illegible] که فرج الله خان بختیاری حاکم بر ما [illegible]

هر چه [illegible] ظلم [illegible] کرده [illegible]

[illegible]

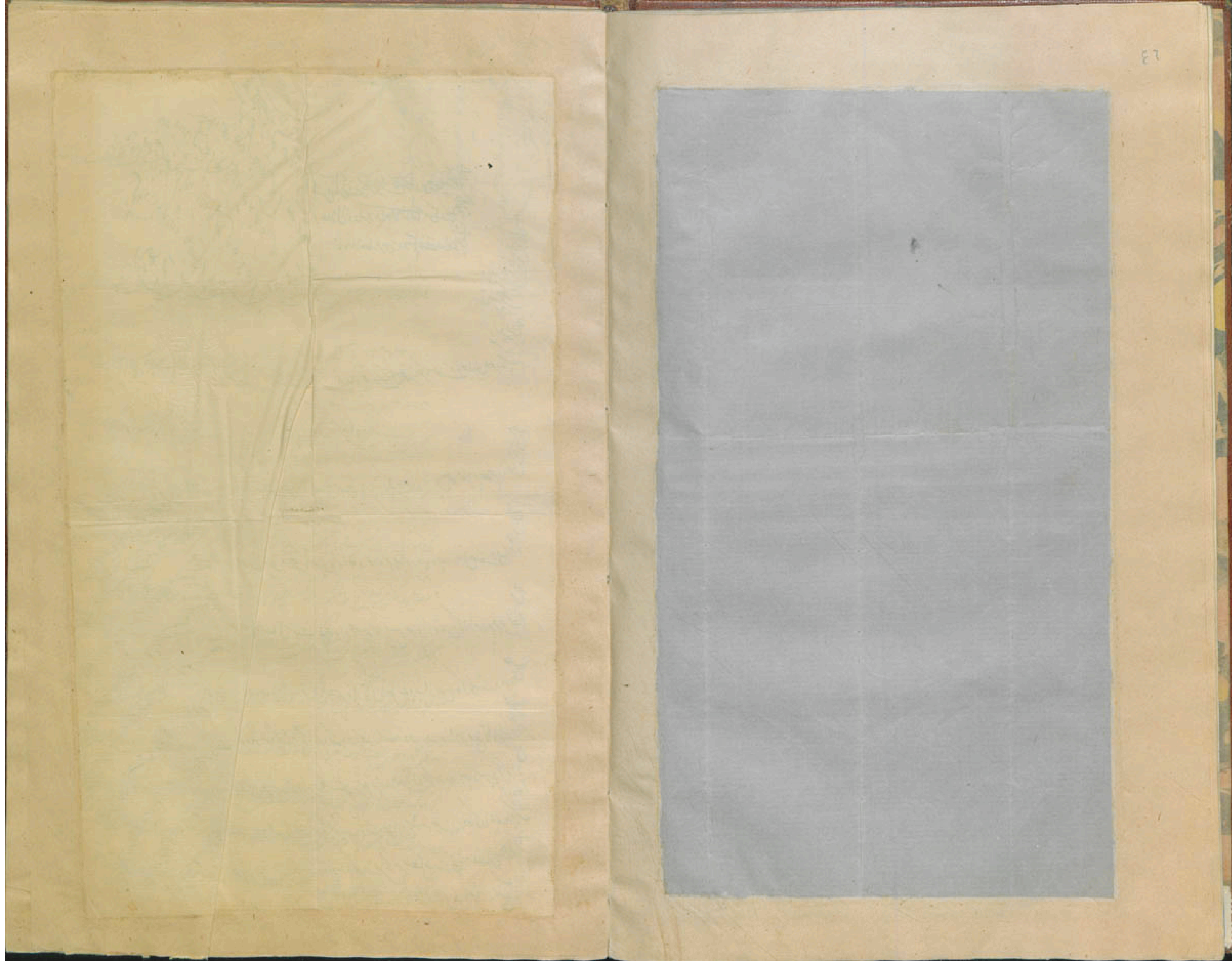
[illegible]

و عرض میکنیم [illegible]

ما [illegible]

ضعیفه [illegible]

ما همه بندگان حضرت [illegible]



[illegible] عرض [illegible] رشت [illegible]

[illegible] جواب [illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله تعالی شأنه

[illegible] مبارک سرکار دولت [illegible]

جلال الدوله [illegible]

تا ملاحظه فرمود [illegible]

عرضه داشت

خاکپای جواهر آسای [illegible]

[illegible] شوم [illegible]

این شکسته دوازده سال است در بندگی و [illegible] اقدام نموده ام [illegible]

[illegible] از آقا [illegible] نموده ام چهار [illegible] از اهل [illegible]

چهار سال است [illegible] ابراهیم آقا [illegible] هزار تومان که از مردم قرض نموده ام

از [illegible] جان [illegible] هزار [illegible] از این [illegible]

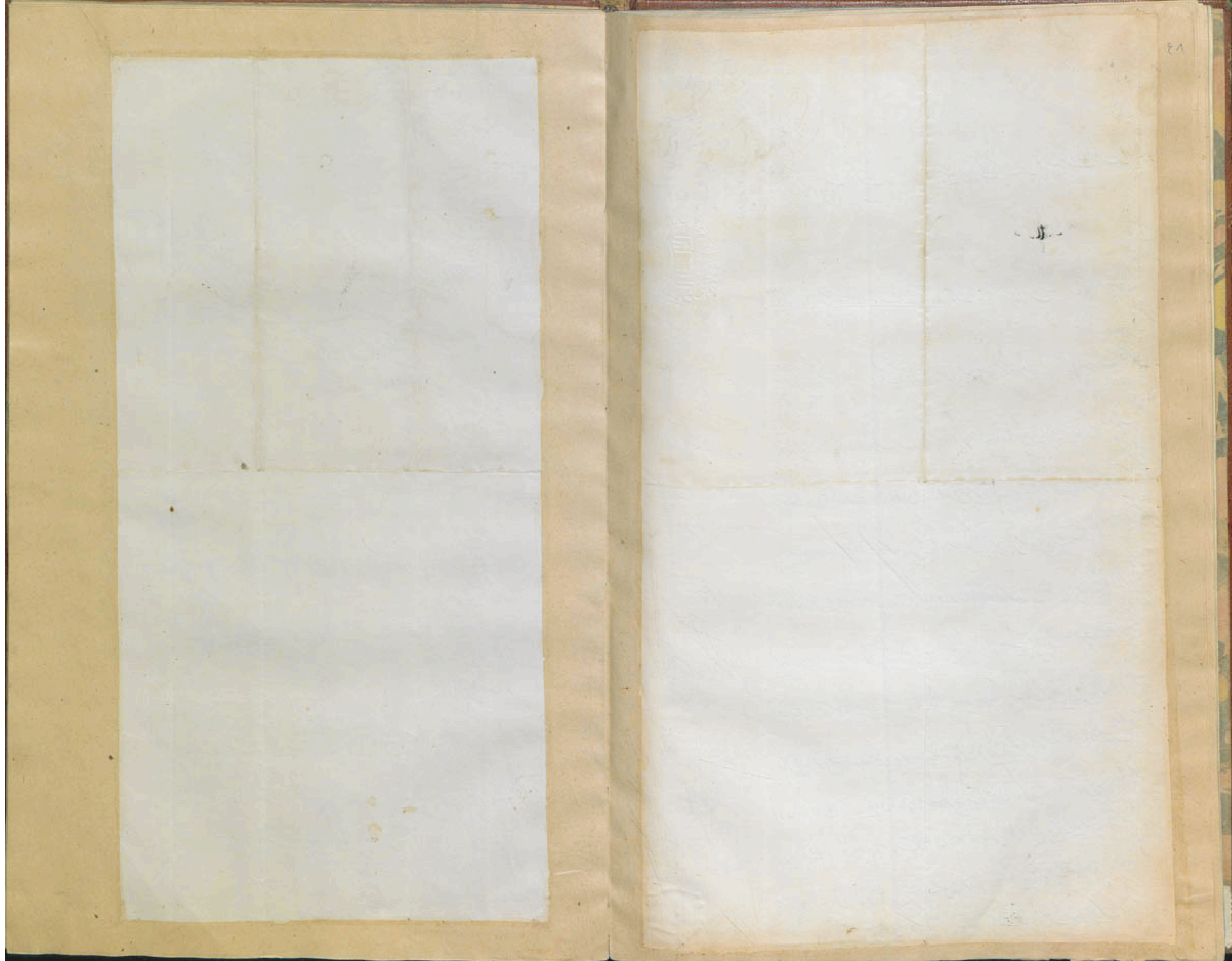
[illegible] برداشته [illegible] تومان [illegible]

[illegible] داده [illegible] تومان [illegible]

[illegible] این [illegible]

[illegible] داده ام [illegible]

[illegible] سال [illegible]



در باب چاپی کتاب [illegible]

عرض [illegible]

موقوف [illegible]

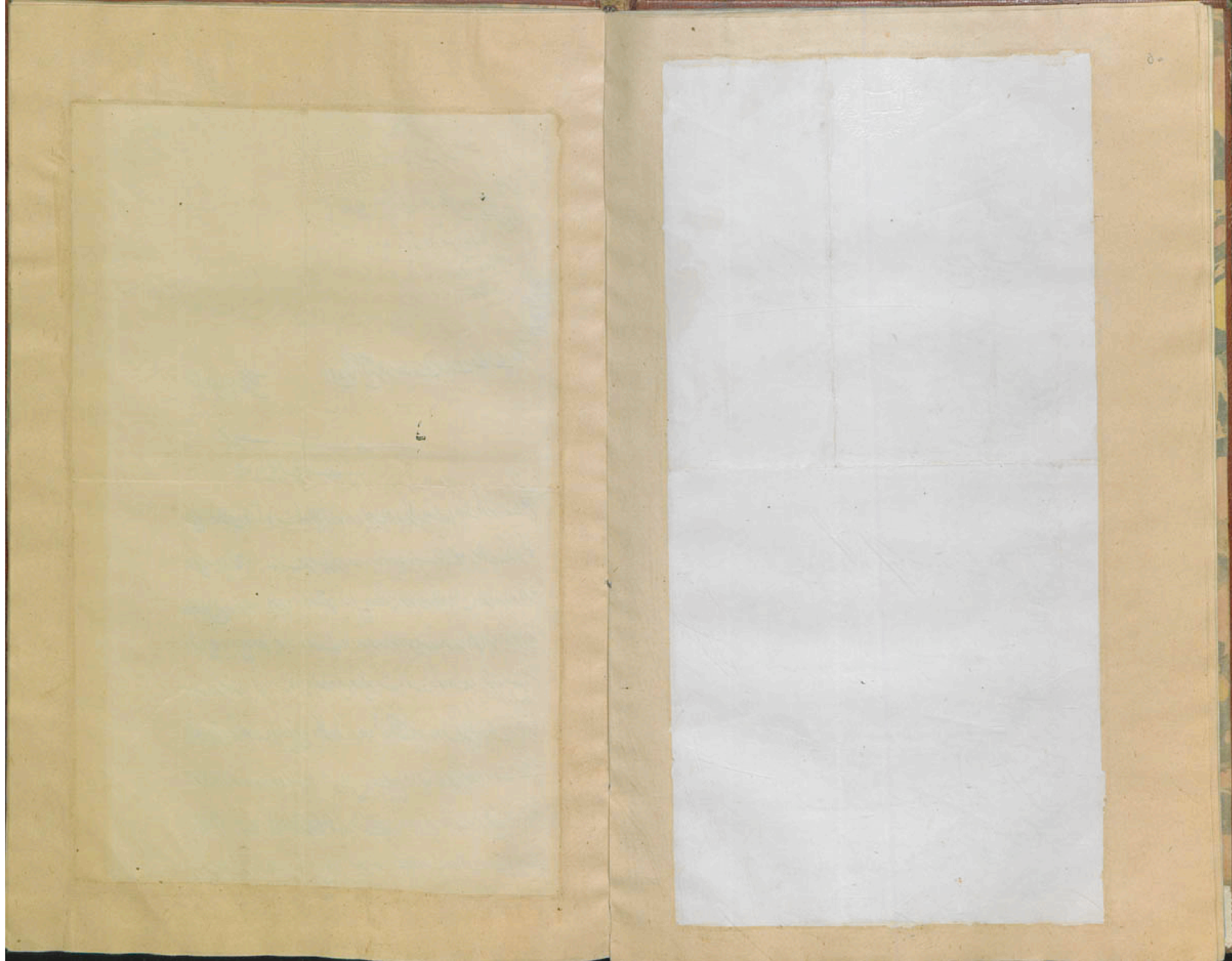
[illegible]

در باب چاپی کتاب [illegible]

عرض [illegible]

موقوف [illegible]

[illegible]



[illegible]

خاکپای جواهر آسای مبارک

عرض چاکران آنکه از سطوت و صولت و عدالت وجود مبارک [illegible]

عریضه

رعایای دیلمان [illegible]

روح العالمین فداه تا عرض و تظلم [illegible] دیلمان [illegible] نفوس دیلمان از [illegible] و ظلم و تعدی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قربان خاک پای مبارک [illegible]

عریضه [illegible]

جان نثار [illegible]

[illegible]

[illegible]

جان نثار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

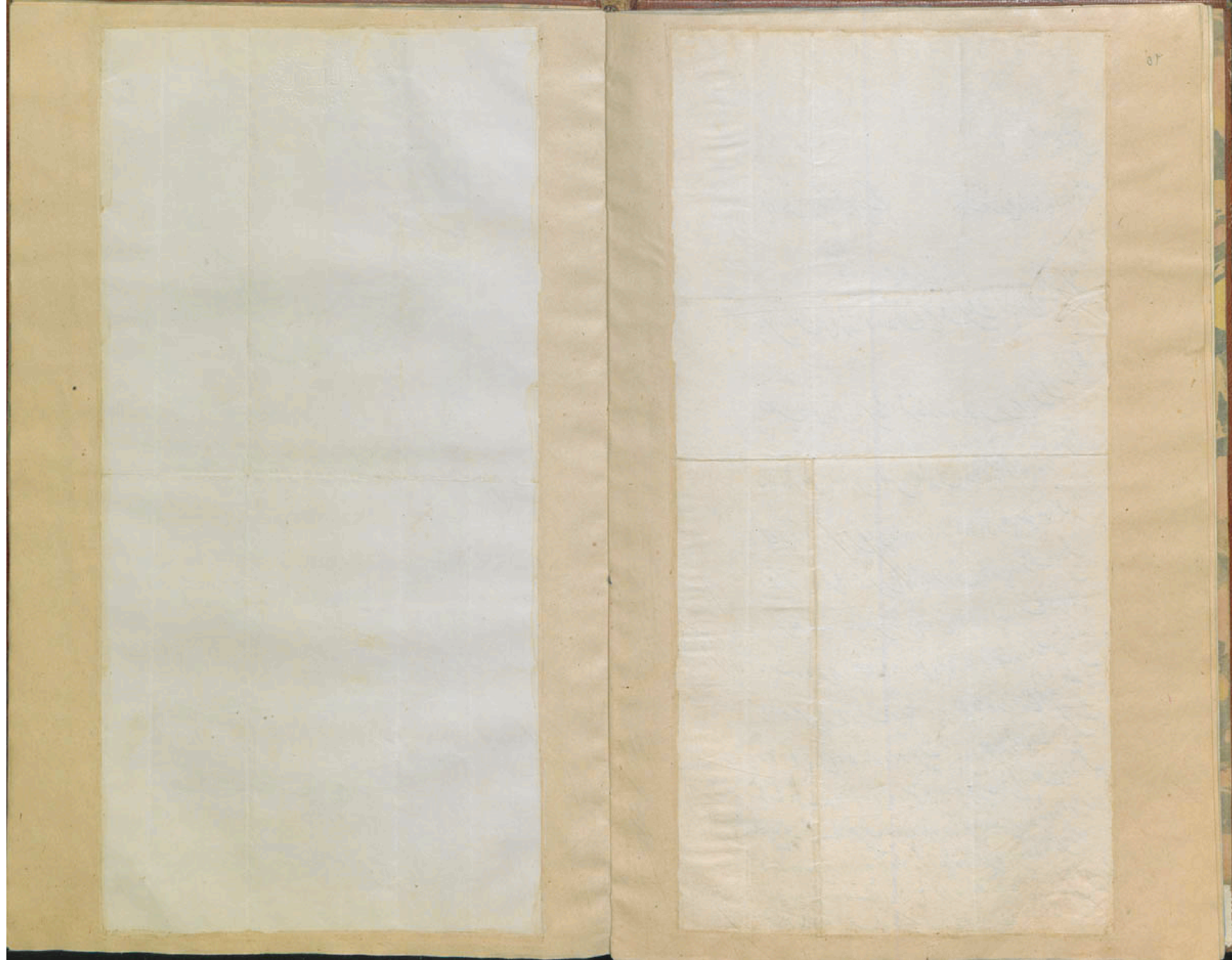
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



جناب مشیر الملک

در خصوص [illegible] که [illegible]

[illegible] ۱۳۰۳

در باب [illegible] جناب مشیر الملک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جناب مشیر الملک

[illegible] عریضه [illegible]

[illegible] ۱۳۰۳

تصدق خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت گردم اولا خداوند عالم ظل مرحمت شاهنشاه زاده اعظم [illegible]

عیال مرحوم شیخ الاسلام اصفهانی

خصوصا از این بار ریزه خواران کوتاه نفرماید و تا بنای اظهار تظلم مینماید کمینه ضعیفه زوجه مرحوم شیخ الاسلام اصفهانی [illegible] حقیره کمینه [illegible]

که از اهل اصفهانیه و منسوب میرزا عطا اکبر و میرزا حیدر علی سلطان [illegible] و دیگری [illegible] مواصلت [illegible]

چون از بعض فقرات امتناع نمودم مردود و متروک شد از الهیها شدم [illegible] از خانه مرحوم شیخ الاسلام بیرون [illegible]

سکنی گرفتم [illegible] باب وصول حقوق خود آنچه حق از بابت ارثیه و سایر حقوق داشتم [illegible]

تحمل [illegible] جناب مشیر الملک مصالحه نمودم [illegible] بهتر و خوبتر احقاق حق خود کنم چون [illegible]

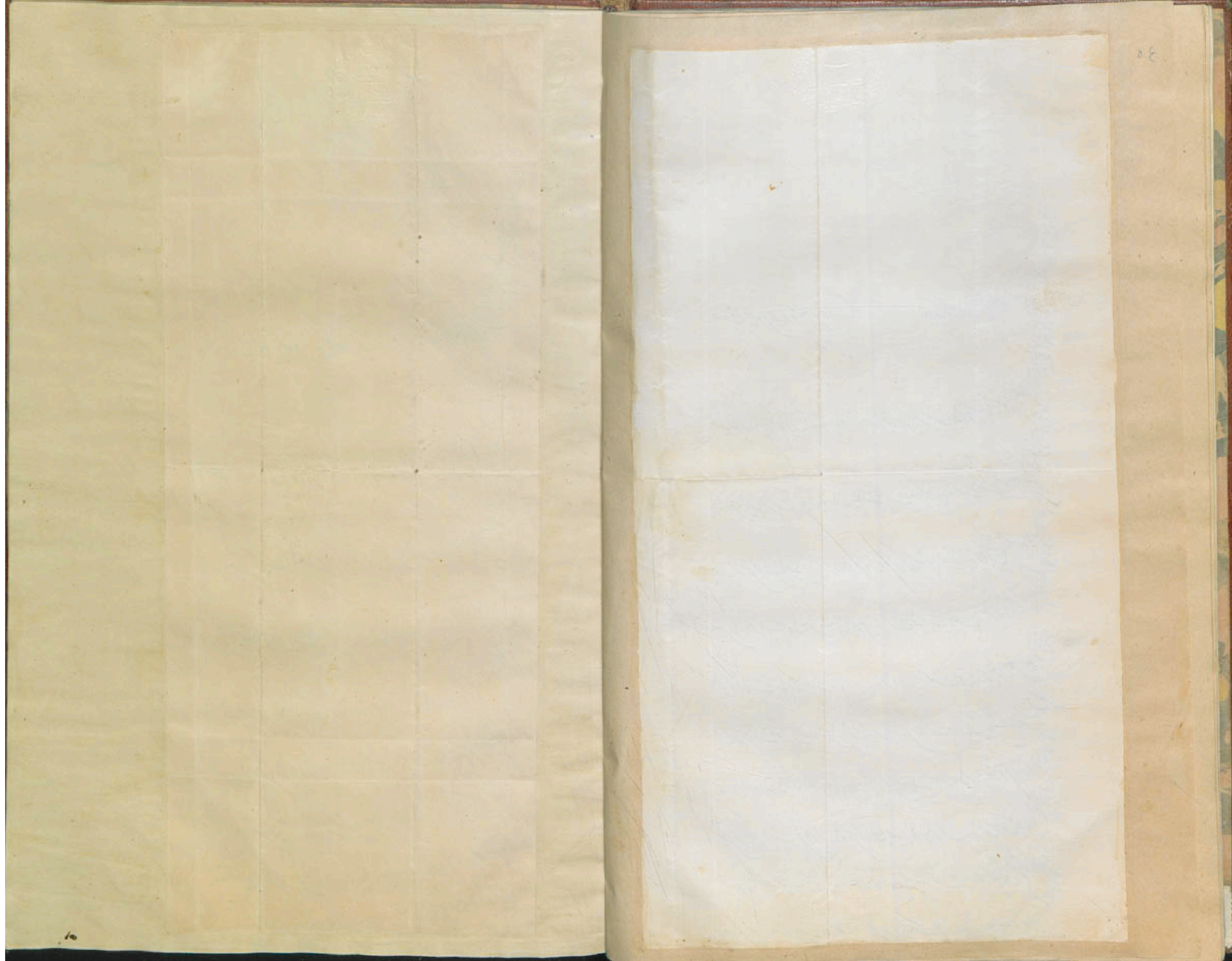
این گونه فقرات و مطالب [illegible] بعد از چندی حضرات ورثه به قدر پنجاه تومان [illegible]

تحصیل داده اند حقیره قبول کرده ام و در خانه [illegible] سلطان الاطباء موجود است و در خانه [illegible]

سکنی گرفته ام در نهایت تحیر و پریشانی و سختی گذران مینمایم از مراحم خسروانه شاهزاده اعظم [illegible]

مسئول کمینه رسیدگی به امور کمینه را مقرر شود جناب مشیر الملک [illegible] مطابق حکم خدا و شرع [illegible]

حقوق این ضعیفه وصول شود [illegible] مرفه الحال به دعاگویی ذات ملکوتی صفات قیام نمایم خدا [illegible]



قربان خاک پای جواهر آسای مبارک گردم

بموقع عرض مقیمان کعبهٔ حضور معدلت دستور میرساند ظهور انوار [illegible] حضرت اقدس ارفع اعظم اکرم امجد والا روحنا فداه

میدارد که [illegible] برادر سید [illegible] دستخط جواد [illegible] [illegible] سرکار [illegible] دارد

و منتظر [illegible] این سید دعاگو طلب [illegible] از الطاف [illegible] برادری

در دست [illegible] بعضی اسباب [illegible] از [illegible] و دعاگو [illegible] آن جوادم

برفت [illegible] [illegible] از خانه [illegible] بیرون آورده‌ام [illegible] [illegible]

[illegible] شده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] برادر

بود [illegible] را در باب [illegible] مستدعی از الطاف [illegible] [illegible] دستخط مبارک

امر و مقرر فرمایند [illegible] [illegible] و احقاق حق [illegible] بود

بود در [illegible] [illegible] [illegible] دعاگو [illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک گردم

چاکر یکی از نوکرهای آقا رضای مستوفی [illegible]

[illegible] درویش

وقتی که آقا رضا را گرفتند بدون امر و اطلاع مظفرالملک [illegible] تومان نقد و یک مادیان

مادیان میرزا سید رضا از چاکر گرفت نواب [illegible] مظفرالملک است

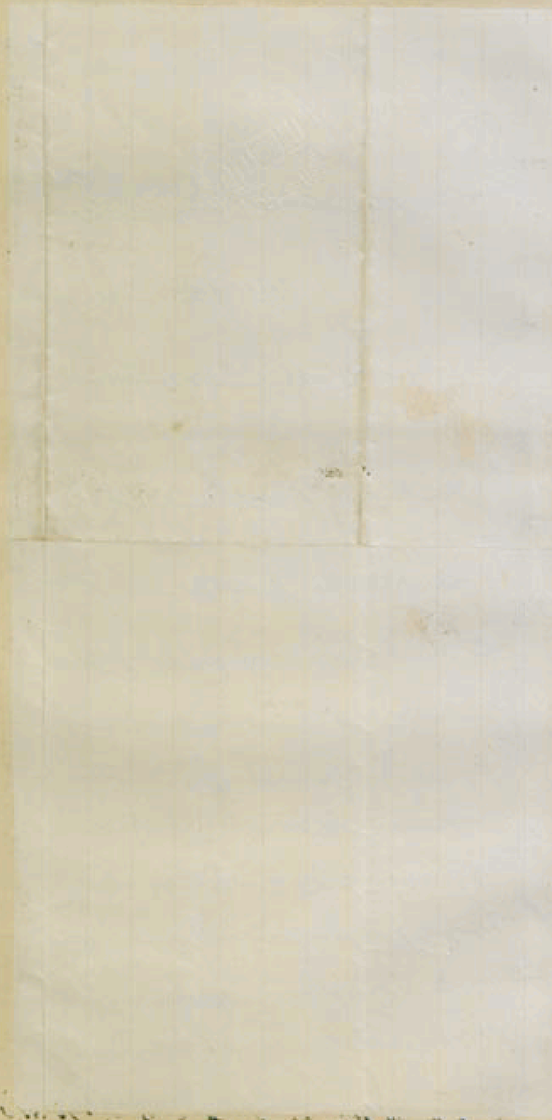
چهار تومان و کسری گرفت که مادیان و پول را پس بگیرد آنرا هم خورد

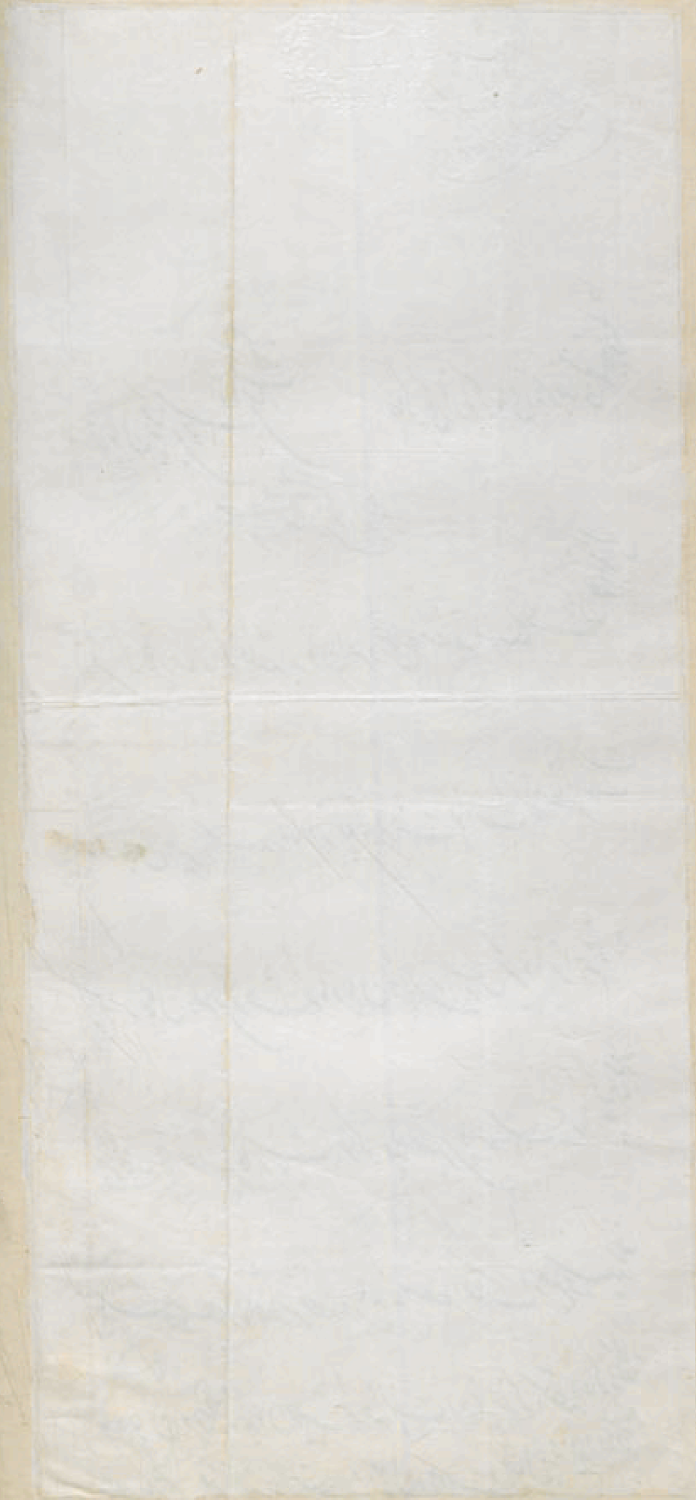
هرگاه آقا تقصیر کار باشد نوکر چه تقصیری دارد استدعا دارم که [illegible] مبارک

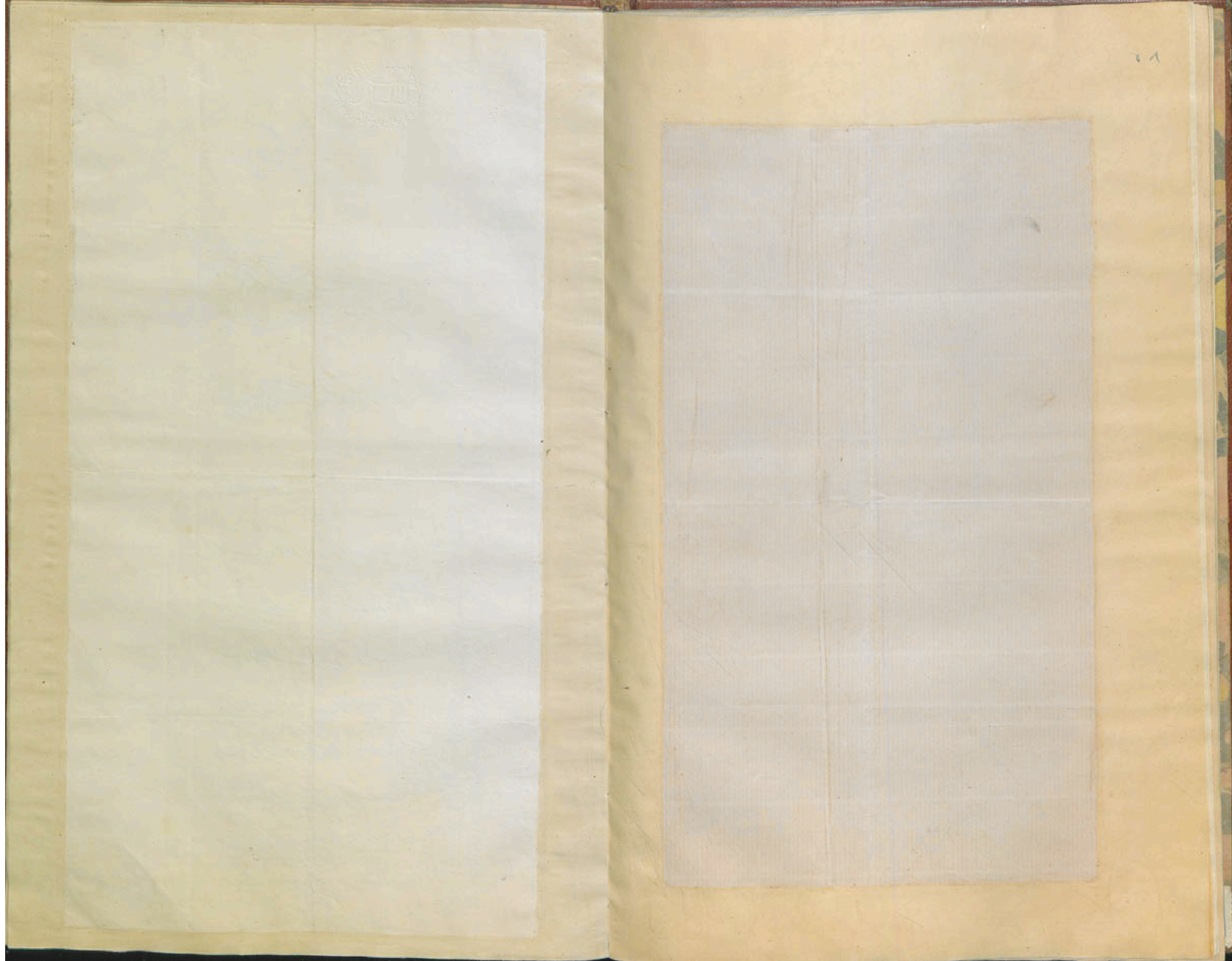
و دستخط ستاره نقطه شرف صدور یابد که مظفرالملک از میرزا سید رضا

مادیان و پول که بدون جهت گرفته است رد نماید که آنچه دعاگو و شکرگزار

بعد باشیم [illegible] بر حشمت و اجلال و مهابت و اقبال بندگان [illegible]







۵۹

[illegible]

قربان خاکپای مبارکت شوم [illegible]

عریضه جان‌نثار [illegible]

[illegible]

۶۰



[illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم

خداوند عالم [illegible]

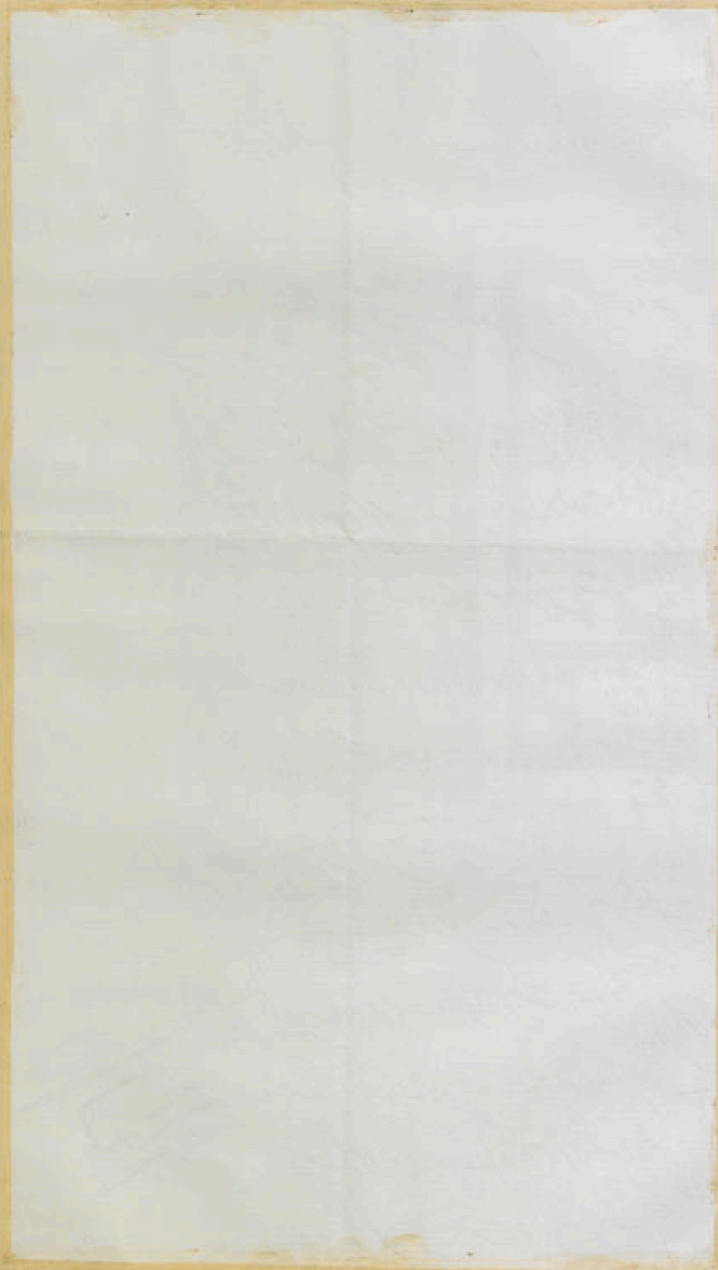
[illegible]

دعاگویان چند نفر علمای ورزنه

[illegible] عریضه حضور [illegible]

[illegible] جان‌نثاران [illegible]

[illegible]



[illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت گردم [illegible]

عریضه [illegible]

خود را بآن [illegible] مبارک [illegible]

الحمد که بسیار [illegible] مبارک [illegible]

تصنیف [illegible] کتاب [illegible] مبارک [illegible]

[illegible] مبارک [illegible]

کار [illegible]

جناب [illegible] الملک

[illegible]

[illegible]

[illegible] ابراهیم خان [illegible]

[illegible]

[illegible] ابراهیم خان [illegible]

[illegible] ابراهیم خان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۳۰۳

مرقوم شد [illegible]



جناب شیرالملک
رسیدگی کرده ... عارض را [illegible]
[illegible]

قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت گردم خبر رسانیست که ... با ... جان نثار را ... مجبور [illegible]

عرض ... محمد علی [illegible]

ما چند نفر هستیم در بین ... جمع دو دانگ ... [illegible] ... آقا ... [illegible]

از جان نثاران ده ... در ... [illegible]

در ... [illegible]

در ... [illegible]

در ... [illegible]

جناب شیرالملک
... رسیدگی کرده ... [illegible]

تصدق خاکپای مبارکت شوم اولاً خداوند عالم ظل مرحمت شاهنشاه زاده اعظم را از سر ما ... کم نکند

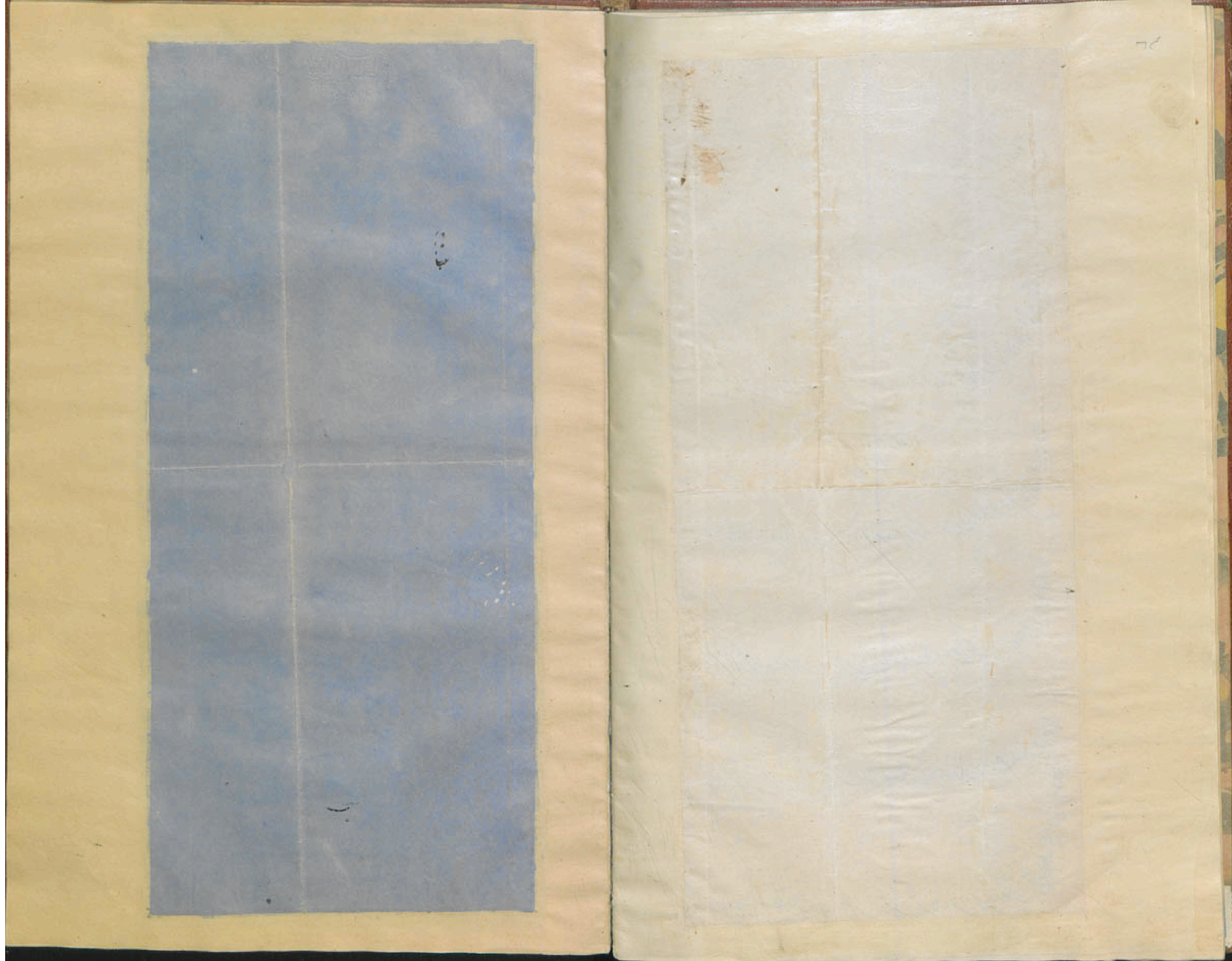
... محمد صادق ولد رضا ... [illegible]

خصوصاً ما فقرا و رعایا کوتاه نفرماید. و ثانیاً ... تظلم مینماید ... [illegible]

تحویلدار ... کرده ام ... [illegible]

و راه ... فرمان ... [illegible]

جناب شیرالملک دام اجلاله ... احقاق حق ... فقیر ... [illegible]



[illegible]

دیباچهٔ [illegible] گشت [illegible]

[illegible] حسن جمالی

در خاک [illegible]

از [illegible]

گرفت [illegible]

عالمی [illegible]

صلح [illegible]

در [illegible]

حق داشت که [illegible]

[illegible]

قربان [illegible] جواهر [illegible] [illegible] که جان [illegible]

[illegible]

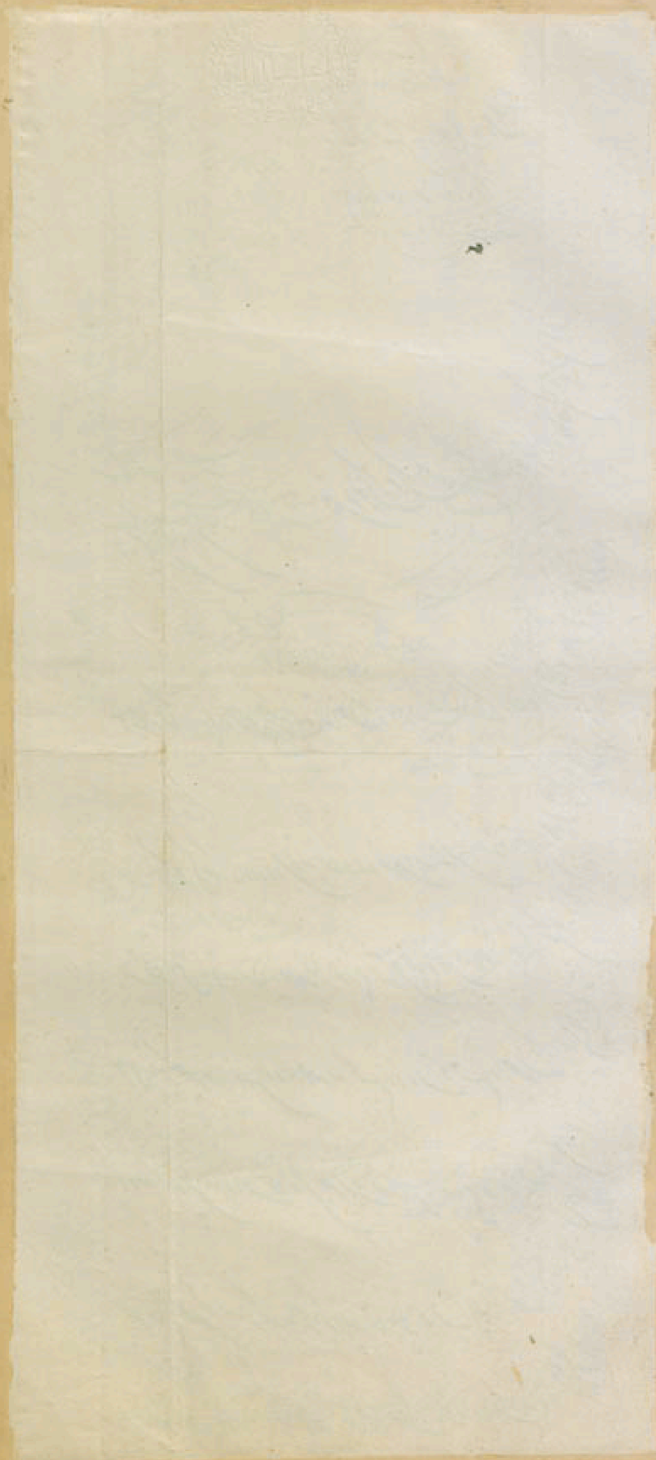
مشعوف است [illegible] داشته ام [illegible]

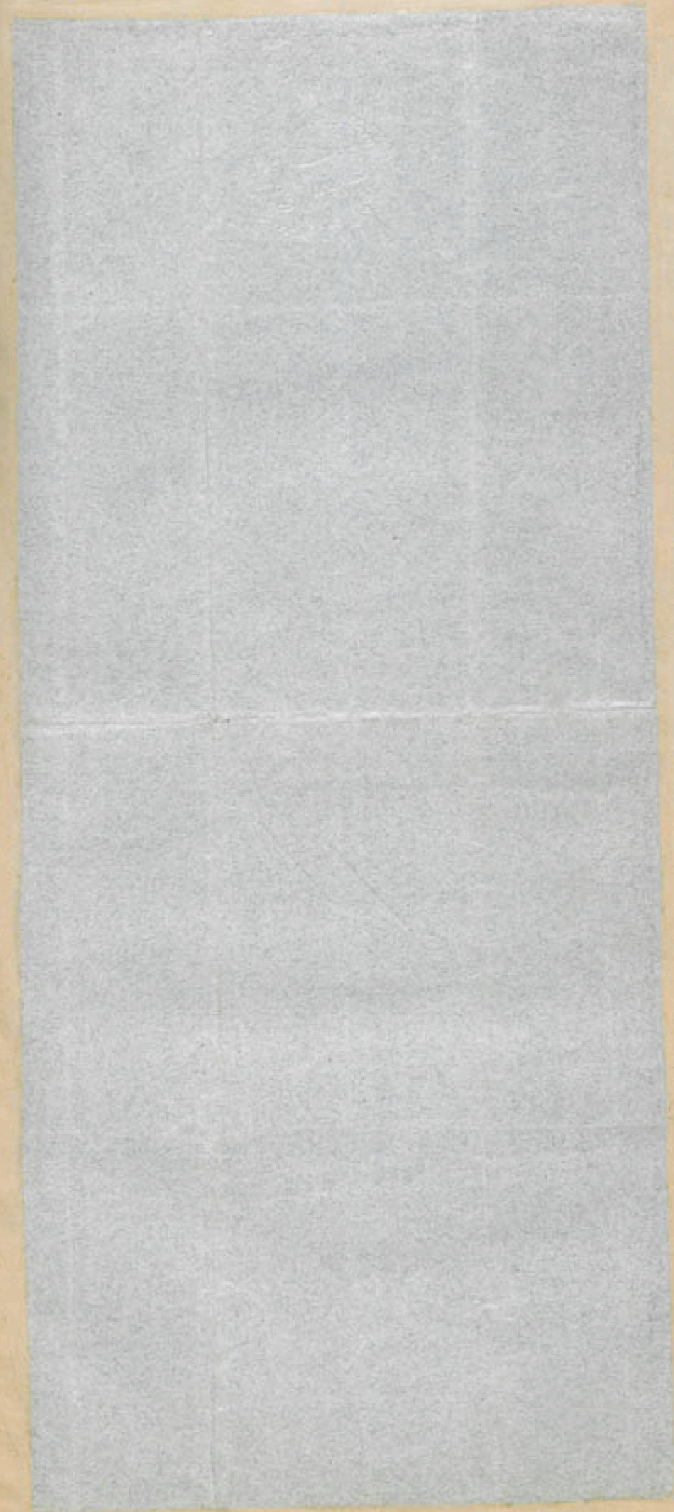
[illegible]

و رقم مبارک [illegible]

و الطاف [illegible]

بیت [illegible]





جناب شیر الملک

رسید که ... حسب ... [illegible]

... [illegible] ... ۱۳۰۵

قربانت گردم جواب مبارک ... [illegible]

قبل از حرکت موکب همایون ... [illegible]

عرض ...

حاجی ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

عوض ... جعفر خان ... در راه ... [illegible]

... [illegible]

جعفر خان ... [illegible]

... [illegible]

جناب شیر الملک

رسید که ... [illegible]

... [illegible] ... ۱۳۰۴

قربانت گردم جواب مبارک ... [illegible]

در ... [illegible]

عرض ...

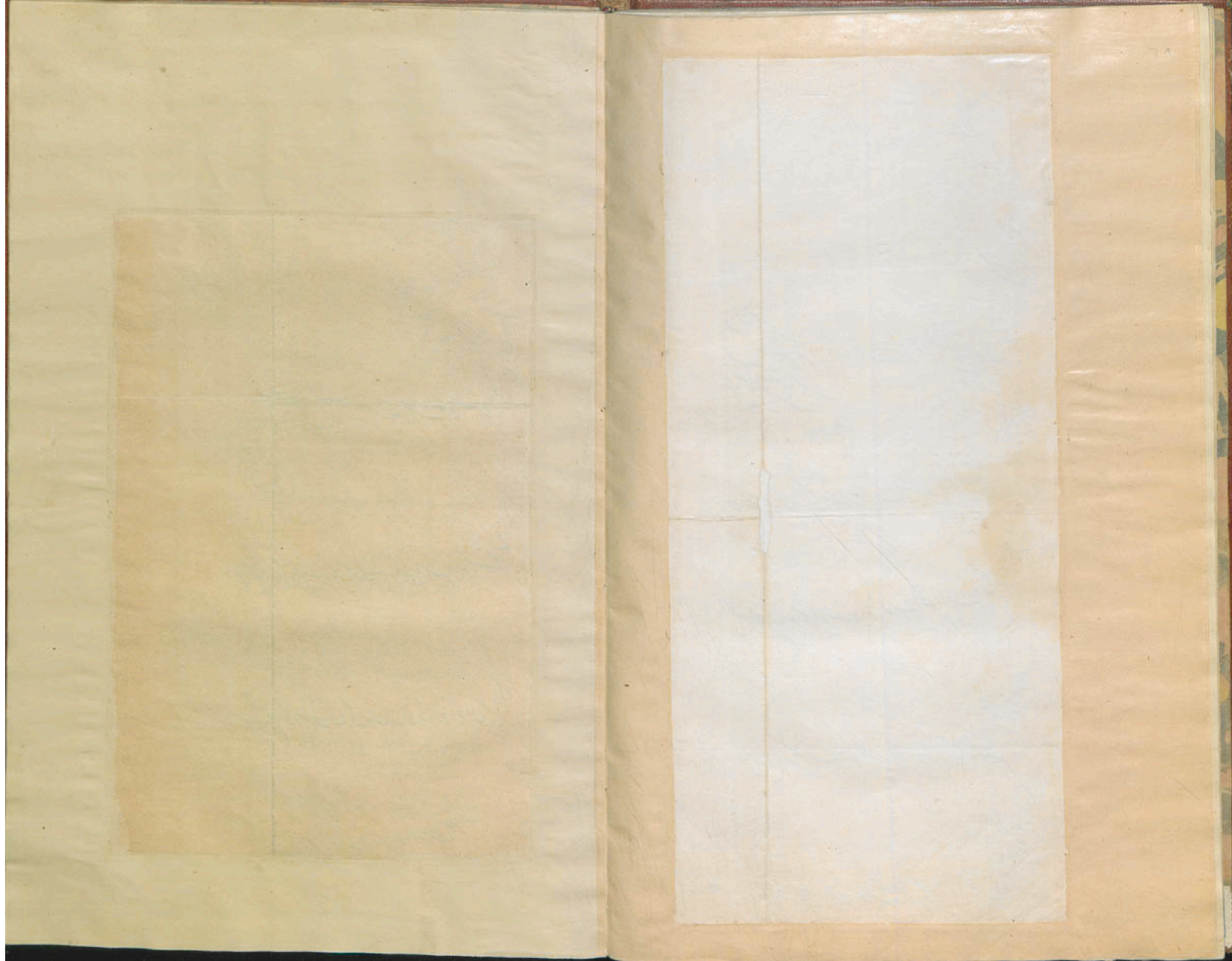
... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]



قربان خاکپای مبارک گردم   چند سال است جزئی مستمری از قرار فرمان [illegible]

باین اقل دعاگویان رسید با فرجه مرحمت شده بعضی از معاندین خواسته اند قطع فرمان نمایند

مستدعی انکه دستخط مبارک عز صدور یافته که از قرار فرمان معمول گردد

امر امر حضرت اقدس امجد اسعد والا ارواحنا فداه است

قربان خاکپای مبارک گردم   [illegible] دعاگویان [illegible]

عریضه [illegible] دعاگو [illegible]

باکمال [illegible] محمود [illegible] دعاگو چند روز [illegible]

در خود و [illegible] دیوانی اصفهان [illegible]

که [illegible] عادت دعاگو [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] دعاگویان [illegible]

[illegible] دعاگویان [illegible]

[illegible] ... محرم الحرام ١٣٠٥

مسائل ملکی جواب [illegible]

[illegible] عرض ... مملکت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... ١٣٠٥

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت گردم

عرض [illegible] نثاران [illegible] آنکه در این

از عنایات [illegible] جلال الدین میرزا [illegible]

[illegible]

گرفته اند [illegible]

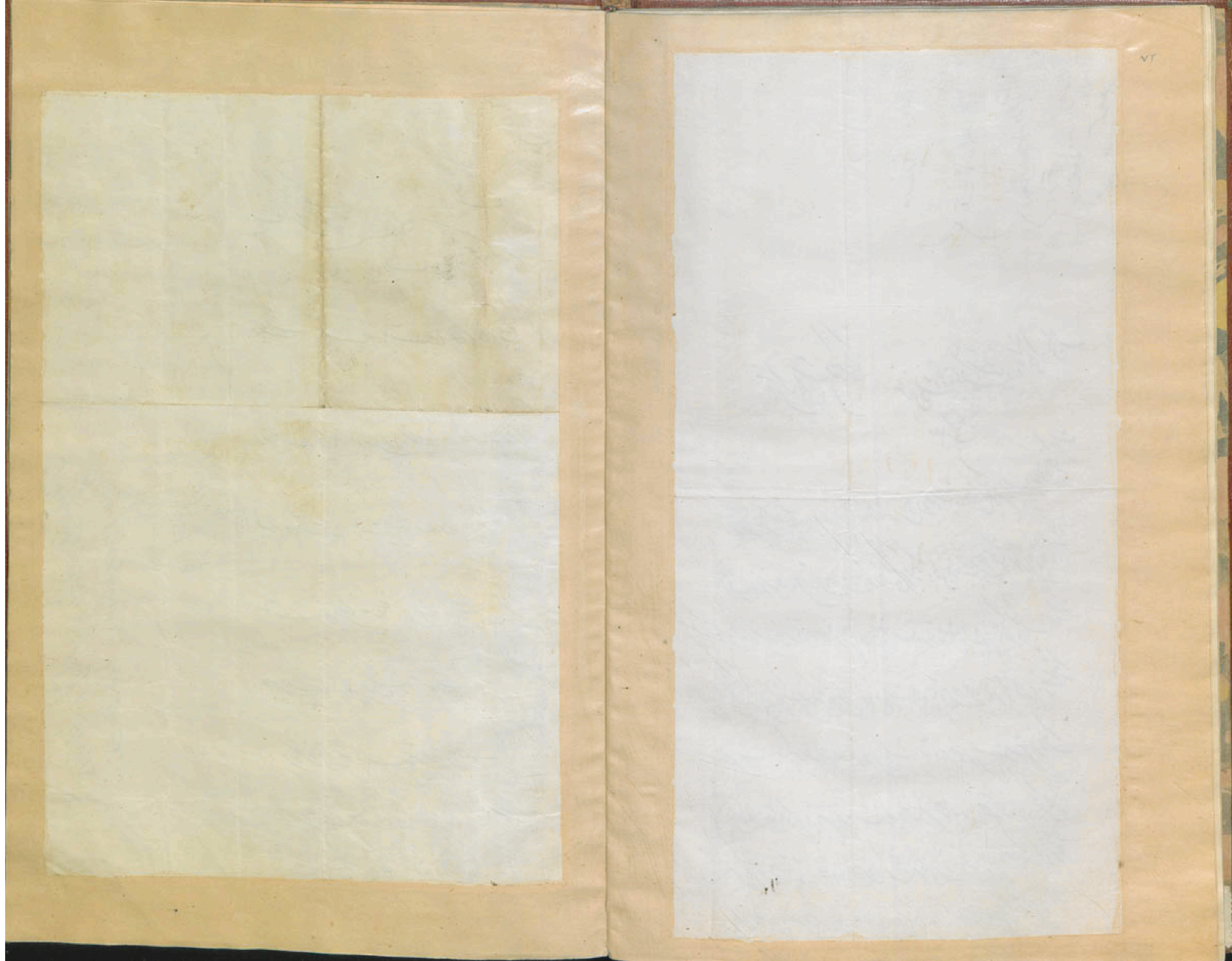
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جلال الدین [illegible]



[illegible]

[illegible]



[illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت گردم هشت حبه و نیم ربع از قریه [illegible]

[illegible]

از قرار تصدیق دفترخانه مبارکه و احکام علمای اعلام از ینجانب [illegible]

بارث رسیده چونکه منول ورثه حاجی ملا شفیع بعد فوت آنها سالیانه

ربعی میداده اند امساله را دیگر هیچ نداده اند که ملک از [illegible]

حال استدعا از بندگان [illegible] که امر و مقرر شود مطابق تصدیق

دفترخانه مبارکه و معمول سنوات رفتار کنند و بیچاره صغیر را

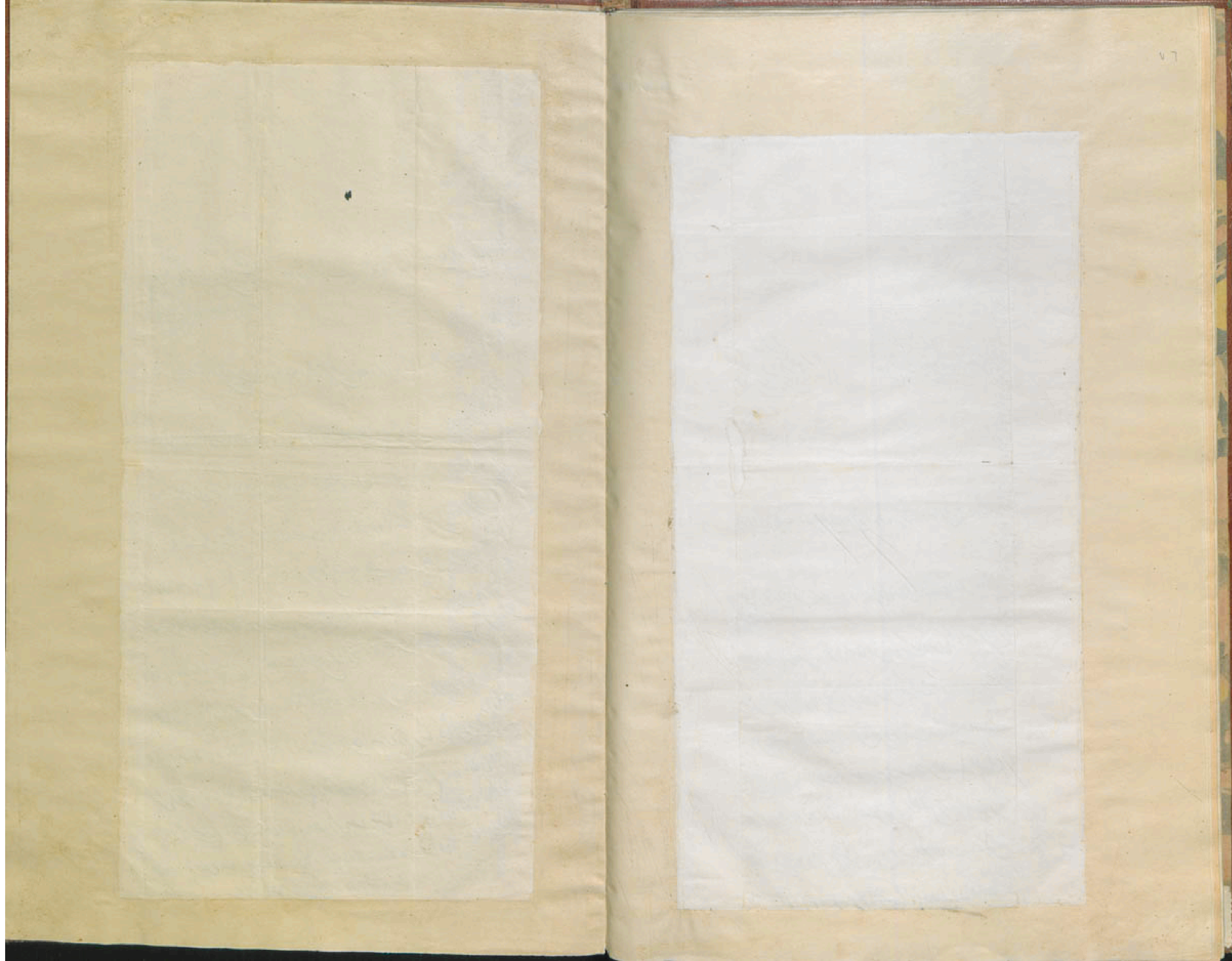
بی نان نکنند خداوند بر حشمت و اجلال و ابهت و اقبال [illegible]

[illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت گردم

[illegible]

[illegible]



[illegible]

قربان خاکپای مبارک گردم — عرضه داشت این بنده‌گان درگاه خاکپای حضرت اشرف ارفع والا امجد

این بنده‌گان درگاه رعایای ... [illegible]

است که سالهای قبل ... [illegible] ماه ... این بنده‌گان درگاه ... [illegible]

... [illegible] این بنده‌گان درگاه ... [illegible]

... [illegible] این بنده‌گان را ... [illegible] پول ... [illegible]

از التفات مرحمت ... حضرت اشرف ارفع والا ... [illegible]

درگاه ... [illegible]

... [illegible] در میان است ... [illegible] حضرت اشرف ارفع والا ... [illegible]

... [illegible] این بنده‌گان درگاه ... [illegible]

... [illegible] کان ... حضرت اشرف ... [illegible]

... این بنده‌گان درگاه ... [illegible]

... [illegible] این بنده‌گان درگاه ... [illegible]

... [illegible] این بنده‌گان ... [illegible] بنده‌گان درگاه ... [illegible]

... [illegible] درگاه ... [illegible]

... [illegible] حضرت اشرف ... [illegible]

[illegible]

عرضه داشت — کمترین خاکپای قوه باصره ... لطف ... [illegible]

اقل دعاگو ... [illegible] صادق ... [illegible]

... [illegible] حضرت قدر قدرت ... ادام الله ایام اجلالکم العالی ... [illegible]

قبل از این ... صاحب ... دارد روزگار ... [illegible]

که املاک ... [illegible] ضبط کرده ... [illegible]

... [illegible] دعاگوی ضعیف ... [illegible]

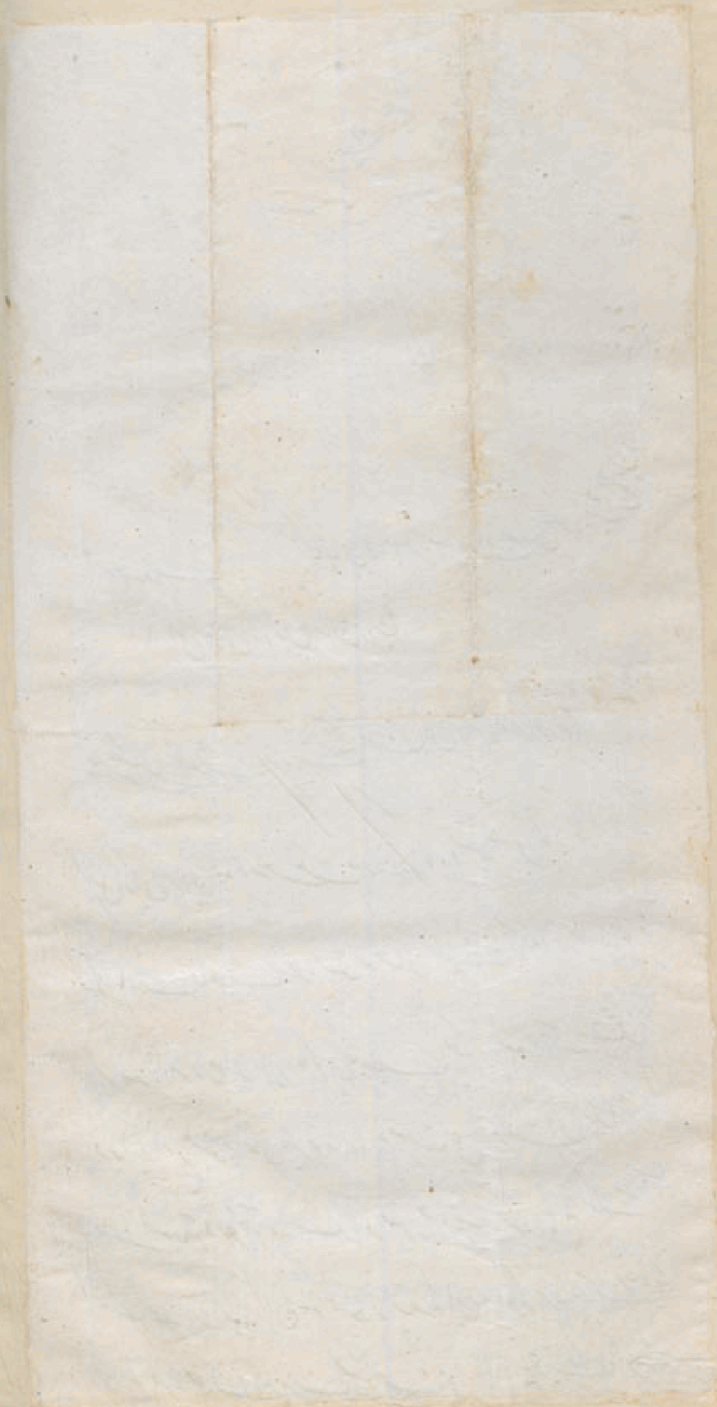
دیوانی این ... حال ... قوه ندارم مستدعی از مرحمت ... [illegible]

... ضعفا ... مقرر فرمایند ... [illegible]

ضبط ... [illegible] که این پیر دعاگو ... [illegible]

ایام عمر و دولت ... ایام سلطنت ... [illegible]





[illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم

عرض ابن [illegible] خان [illegible]

دولان مرحوم حاجی [illegible]

حضور مبارک کافه حضرت اشرف [illegible] ارفع [illegible] رسیده است که

[illegible] حضرت [illegible] عنایت [illegible] خاطر

[illegible] خدام [illegible] عالی [illegible]

دلیل [illegible] حضرات [illegible] و طایف [illegible]

عرایض حضور مبارک [illegible] دستخط مبارک خطاب به [illegible]

عنایت [illegible] مرحوم [illegible] ایران [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت گردم

امامزاده واجب التعظیم [illegible]

خدام آستانه منوره مقدسه

واقعه در قریه شاه بلور رود شتین سال ... چهار خروار ربع از املاک وقفی آستانه و [illegible]

موضوع از حشو جمع که داخل باب دیوان و مالک [illegible] ندارد و همه ساله برداشت میشد

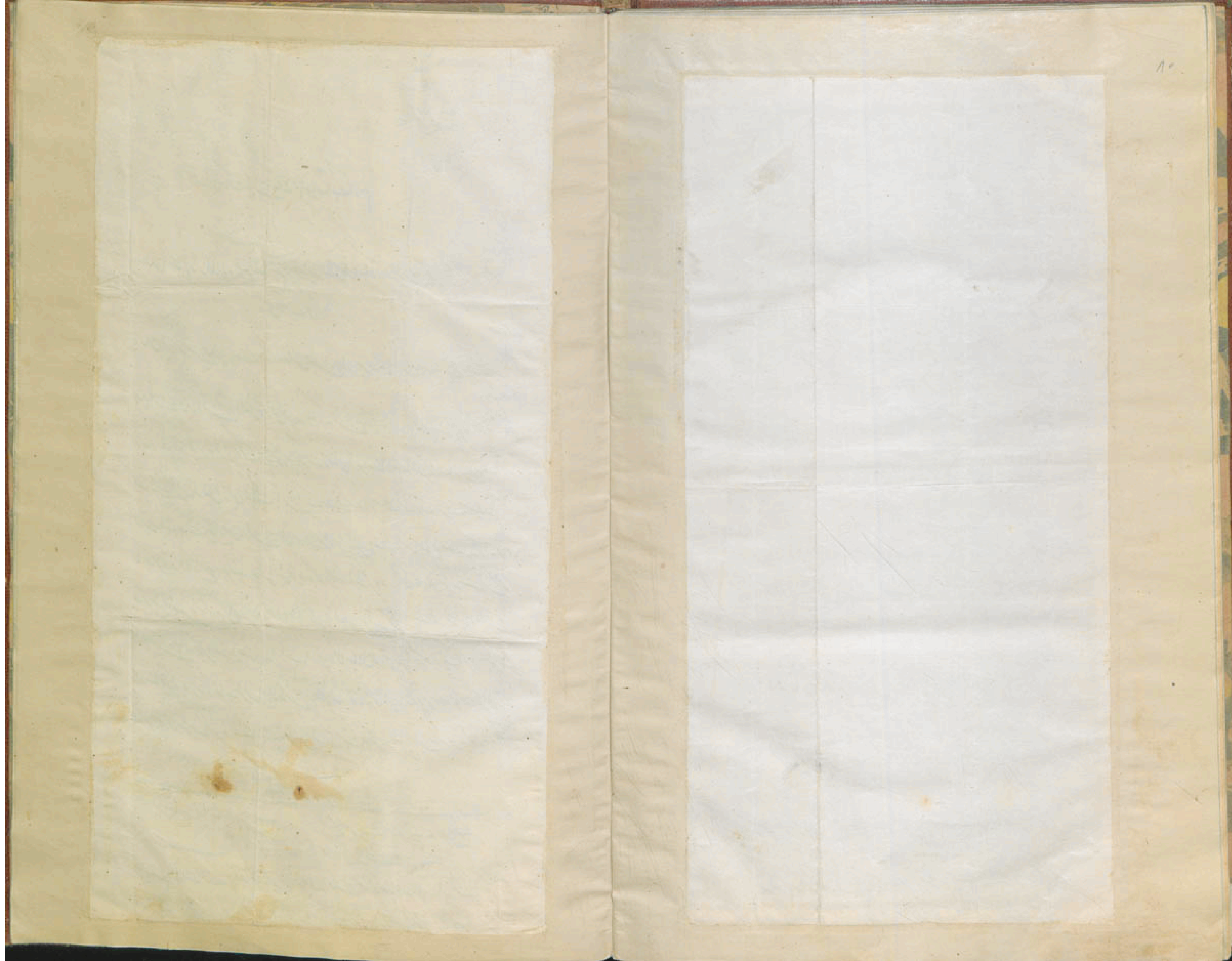
و دفترخانه مبارکه تصدیق بر صدق عرض دعاگویان کرده اند و مرحوم [illegible]

با سخت گیری [illegible] و کارسازی میکرد [illegible] راقم محمد حسین خان

میخواهد مخالف معمول [illegible] نماید هر چیزی عاید [illegible] صغیر و کبیر

خدام آستانه مقدسه تمنا دارند [illegible] از بندگان شاهنشاه که امر مقرر شود

که مانع السابق از قرار ثبت دفترخانه مبارکه کارسازی [illegible]



تصدق خاک پای مبارکت جواهر آسایت گردم

مطابق احکام دارالخلافه و رقم [illegible] و تصدیق دفترخانه مبارکه موازی [illegible] جریب [illegible] کار در قریه مبارکه لنجان

و اهل طلاب علی اکبر مبارکه

در حق این داعی بر قرار است مدد معاش جمعی از عیال پریشان احوال است پنج دهم از آن باب ضراب

به دیوان اعلی وارد نمی آید داخل در عمل قریه مبارکه نمی باشد در اول [illegible] سنه ۱۲۹۰ عالیجاه محمد [illegible] خان و جنت

سرکار امام جمعه سلمه الله قرار داد که خدمتش [illegible] منافع آن را به حکم ضبط غله کارسازی نماید عاید

گذرانیده تا این که قبل از این بخاک پای مبارک عارض شده دستخط مبارک شرف صدور یافت

که برسانند مدت یک ماه این داعی را معطل نمود آخر الامر از چهل و هفت تومان منافع معادل یک تومان و دو هزار

عاید کرد و باقی را با هیچ وجه عاید [illegible] فرمایش فرمودند که هرگاه [illegible] کرده دوباره عارض شوید [illegible] فقیر

و گوشه نشینی را دارم پنج وجه از عهده عالیجاه محمد رضا خان بر نمی آیم استدعا آنکه این دعاگوی را

با جمعی از عیال نفر بتصدق حضرت اشرف ارفع والا جلال الدوله نفرمایند و به یک نفر فراشی شود

که منافع گرفته رد نماید شرح حال امام جمعه سلمه الله در این باب مرقوم فرموده اند به نظر انور عالی

دام اقباله شرف شود تفصیل منافع موافق سیاهه است دیگر در عمل جز [illegible] ندارد راه [illegible]

معروض

پنج جریب قنات [illegible]

پنج جریب رودآب [illegible]

[illegible] نیست

[illegible] است

غیر از الاعیال دعوی فقیر نواز سرکار عالی روحی له الفداء خداوند عالم سایه بلند پایه سرکار

و شرف ارفع والا روحنا له الفداء را ابدا پاینده و مستدام بدارد آمین یا رب العالمین

تصدق خاک پای جواهر آسای اشرف [illegible]

عرضه [illegible] که از [illegible]

[illegible] بالا [illegible]

که [illegible] حضرت اشرف امجد والا [illegible] و [illegible]

رفتیم [illegible] ولایت [illegible]

در اول ماه [illegible] که [illegible]

و [illegible] که [illegible]

ملتجی شدیم که امروز [illegible]

دولت [illegible]

[illegible] امام مبارک [illegible]

قربان خاک پای مبارک جواهر آسا شوم

عریضه دولت

این ذره بی مقدار جان نثار در زمانی که [illegible] حضور مبارک [illegible]

ضعیفه بیوه زوجه مرحوم [illegible]

چند نفر صغیر یتیم دارم قدری از بابت [illegible] دارم موافق فرمان قضا قدر [illegible] یکصد و [illegible]

یکصد و [illegible] پنج جمع [illegible] مستوفیان جمع کرده اند حاجی حسن [illegible] یکصد

دریافت نموده سلطان [illegible] عالی [illegible] مقرب الخاقان [illegible] میرزا [illegible] خان [illegible]

تخفیف [illegible] دادم [illegible] دیگر [illegible] سه تومان [illegible] تعدی [illegible]

و مبلغ سه تومان هم سال گذشته تعدی نموده [illegible] رشوت [illegible]

گرفته داده ام استدعا دارم که بدستخط مبارک [illegible] عالی [illegible] میرزا [illegible]

[illegible] تعدی [illegible] دولت [illegible] که [illegible] ایام [illegible]

آورم [illegible] سلطنت و [illegible] الی یوم [illegible]

قربان خاک پای جواهر آسای مبارکت شوم

با وجود مراحم بیکران و الطاف بی پایان [illegible] حضرت [illegible]

عرضه داشت بنده درگاه میرزا حسن [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] الدوله [illegible] دولت [illegible] ولایت [illegible]

حسن آباد | کهنه [illegible] | جوشاران

باقی [illegible] در شهر [illegible] همه [illegible] و [illegible] حواله [illegible]

از خاکپای مبارک [illegible] استدعا [illegible] که [illegible] اسمعیل [illegible]

دریافت [illegible] که [illegible] عالی [illegible] جا [illegible] استقلال [illegible]



